



جزوه آموزشی

مبانی برنامه ریزی آموزشی

مرکز کشوری مدیریت سلامت

(N.P.M.C)

تدوین:

مهندس محمد رضا نریمانی

کارشناس ارشد مدیریت آموزشی و آموزش پزشکی

آذرماه ۱۳۹۵

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه	۲
برنامه و برنامه ریزی:	۲
مفاهیم موجود در برنامه ریزی	۳
برنامه ریزی آموزشی	۶
اهمیت برنامه ریزی آموزشی	۷
ابعاد برنامه ریزی آموزشی	۸
تاریخچه برنامه ریزی آموزشی	۹
اصول برنامه ریزی آموزشی	۱۲
ارکان برنامه ریزی آموزشی	۱۹
سطوح هدف های آموزش و پرورش از نظر برنامه ریزی	۲۴
سطوح برنامه ریزی آموزشی	۳۷
انواع برنامه ریزی آموزشی	۳۹
رویکردهای برنامه ریزی آموزشی	۴۴
مراحل برنامه ریزی	۴۸
مدل های برنامه ریزی آموزش و پرورش	۵۷
منابع مورد استفاده	۶۲

مبانی برنامه ریزی آموزشی

مقدمه

همه ما در طول زندگی خود بارها برنامه ریزی کرده ایم و می کنیم . اگر نقشه هایی که کشیده ایم ، مرور کنیم و منصفانه در معرض قضاوت قرار دهیم ، چه بسا خواهیم دید که برخی از نقشه هایمان آرزو و خواب و خیال بوده است ، پاره ای سرسری و با شتابزدگی و تفکر سطحی و عجولانه تنظیم شده اند ، ولی بعضی دیگر هم واقع بینانه و با تفکر و تامل و حساب و کتاب و مال اندیشی توأم بوده اند .

در اکثر برنامه ریزی ها از هر سه نوع بالا وجود دارد بطوریکه برخی از برنامه ها به رویاهای طلایی می مانند ، پاره ای بدون مطالعه تنظیم شده اند ، ولی بعضی هم اصولی و علمی هستند. ولی در کل در برنامه ریزی همواره هدف این است که به شرایطی دست پیدا کنیم که : بتوانیم در قضاوت ها و تصمیم گیری ها ی خود ، در زمینه ها و مراحل مختلف برنامه ریزی و خدمات با جهان بینی و وسیع تر و اندیشمندی عمیق تری عمل نماییم.

برنامه و برنامه ریزی :

برنامه بیانی روشن، مستند و مشروح از مقاصد و تصمیمات است و برنامه ریزی عبارتست از فرایندی دارای مراحل مشخص و بهم پیوسته برای تولید یک خروجی منسجم در قالب سیستمی هماهنگ از تصمیمات.

برنامه خروجی فرایند برنامه ریزی است اما برنامه ریزی یک فرایند پیوسته است که پیش از اتخاذ هر تصمیمی آغاز شده و پس از اجرای آن تصمیم ادامه می یابد.

برنامه یک خروجی رسمی از فرایند برنامه ریزی است که اگر توسط فرایند پیوسته برنامه ریزی روزآمد نشود فاقد ارزش خواهد بود.

فرایند برنامه ریزی دارای منافع، مزایا و اثراتی است که اگر به درستی کسب شوند می‌توانند نیاز به یک خروجی رسمی به عنوان برنامه را کمرنگ کنند. از جمله این منافع و اثرات می‌توان به همسویی و همگرایی تصمیم گیران، توجه پیوسته به محیط، آمادگی در مواجهه با تغییرات و آینده نگری اشاره کرد که از طریق فرایند برنامه ریزی حاصل می‌شوند و نه برنامه.

تعاریف زیادی از برنامه ریزی وجود دارد بطوریکه تعدادی برنامه ریزی را فراگردی مداوم، حساب شده و منطقی، جهت دار و دورنگر، به منظور ارشاد و هدایت فعالیتهای جمعی برای رسیدن به هدف مطلوب می‌دانند، تعدادی نقشه کشیدن برای دستیابی به خواست‌ها را برنامه ریزی می‌نامند، ولی در کل برنامه ریزی، راهی است برای هدایت حساب شده فعالیت انسان به سوی منظور مشخص و برنامه ریزی، فراگردی است دورنگر برای جهت دادن منطقی به فعالیت‌های جمعی و یا به عبارت دیگر نقشه کشیدن برای آینده و پیش بینی راه دستیابی به آن می‌باشد.

مفاهیم موجود در برنامه ریزی:

در برنامه ریزی مفاهیم جریان و مداومت، ارشاد و هدایت، دورنگری و هدف و تفکر و عقلانیت مستتر است:

مفهوم جریان و مداومت در برنامه ریزی: برنامه ریزی به نوشتن برنامه ختم نمی‌شود بلکه فراگردی است که باید مداومت داشته باشد و با توجه به بازتاب نتایج فعالیت‌های انجام شده، یافته‌های جدید، تغییرات تکنولوژی، پیشرفت دانش و معرفت دگرگونی منابع و امکانات و تحول اولویتهای، دائم ارزیابی شده و تکمیل گردد.

مفهوم ارشاد و هدایت در برنامه ریزی؛ برنامه ریزی متضمن ارشاد ، هدایت و مداخله در فعالیتهای جمعی است و به همین جهت بسته به چگونگی و میزان اعمال نفوذش اشکال گوناگون به خود می گیرد .

مفهوم دور نگری و هدف گیری در برنامه ریزی؛ برنامه ریزی فعالیتی جهت دار و دورنگر ، بدین جهت بسته به چگونگی انتخاب هدف ، ممکن است فعالیتی باشد آینده نگر ، آینده ساز ، یا آینده گزین .

اگر هدف برنامه ریزی فقط پیش بینی آینده باشد ، در این صورت فعالیتی است آینده نگر ؛ اگر هدف برنامه ریزی ساختن و شکل دادن به آینده باشد ، در این صورت فعالیتی است آینده ساز ، اگر هدف برنامه ریزی انتخاب کردن بین اشکال مختلف آینده باشد ، در این صورت فعالیتی است آینده گزین .

برنامه ریزان آینده نگر : بعضی از برنامه ریزان اجتماعی معتقدند که چون عوامل سازنده اجتماع بسیار متعدد و پیچیده و به هم مرتبط هستند، اکثراً تغییر و تبدیلهای آنها نمی تواند تابع اراده و میل برنامه ریز باشد؛ مثلاً بسیاری از عوامل طبیعی، از قبیل موقعیت جغرافیایی آب و هوا، منابع و ذخایر طبیعی و امثال آنها، خواهی نخواهی دامنه ی امکانات و عملیات را محدود می سازند. همچنین عوامل ساخته ی دست بشر از قبیل اختراعات و اکتشافات، تغییرات دانش و تکنولوژی و تحولات سیاسی، بین المللی اقتصادی، اجتماعی و غیره آن چنان پیچیده و مرتبط هستند که عملاً قابل کنترل و تغییر ارادی نمی توانند باشند.

به عقیده این افراد، کسانی که می گویند می توانند آینده را به میل خود شکل دهند، ادعایشان واهی است ؛ مدینه های فاضله ای که می سازند فقط در عالم تخیل وجود پیدا می کند. این افراد معتقدند که هر چند نمی توان آینده را ساخت، ولی می توان تشخیص داد و تصویری مات از آن

به دست آورد و برای آن آماده شد. به عبارت دیگر، مقصود و منظور برنامه ریزان آینده نگر، پیش بینی کردن آینده و آماده شدن برای آن است.

برنامه ریزان آینده ساز، که گاهی اوقات به آنها عنوان مهندسان اجتماعی نیز داده شده است، معتقدند که آینده را به خصوص از دیدگاه آموزش و پرورش، می توان ساخت و شکل داد. تکه کلام این افراد این است که آینده هم اکنون با ماست. مراد و منظور این گفته به خصوص اشاره به کودکان است که مردان و زنان آینده خواهند بود و اجتماع آینده را خواهند ساخت. اجتماع را انسانها می سازند و انسانها را آموزش و پرورش. بنابراین آینده اجتماع را می توان از آموزش و پرورش که اطفال امروز به دست می آورند، تشخیص داد. این افراد می گویند: برنامه ریزان اجتماعی می باید، فارغ از جریانات گذشته و روز، تصویری از آینده دلخواه رسم کنند. ببینند برای آن چنان آینده اجتماع، به چه نوع انسان ها، نهادها، موسسات و سازمانهای اجتماعی که خواهی نخواهی پرورده و ساخته است انسانهاست، نیاز خواهد بود؟ آن گاه برنامه هایی تنظیم کنند که از طریق آموزش و پرورش، خصوصیات و بینشها و دانش های مناسب و مورد لزوم در کودکان و جوانان پرورش یابد.

برنامه ریزان آینده گزین راهی بینابین آینده نگرها و آینده سازها انتخاب کرده اند. این افراد نیز مانند آینده سازان معتقدند که انسان در بند تقدیر اسیر نیست و می تواند در شکل دادن به آینده کاملاً مؤثر باشد، ولی در عین حال باید واقع بین بود. عواملی که در اجتماعهای آینده مؤثرند، بسیارند. این عوامل ثابت نمی مانند بلکه خود در حال تحول و دگرگونی هستند؛ مثلاً هرگونه تغییری که منابع غذایی، ذخایر سوخت و منابع انرژی، توانایی بشر در مهار کردن طبیعت، تعداد نفوس، ترکیب جمعیت، مناسبات اقتصادی برای تولید و توزیع ثروت پیدا کند و هر تغییری که در مناسبات انسانی، روش زندگی، و ارتباطها صورت گیرد در عوامل دیگر منعکس خواهد شد و

تغییرات و تبدیلاتی زنجیری بوجود خواهد آورد. شکل آینده بستگی به ترکیب این عوامل و امثال آنها دارد و بسته به ترکیب مختلف این عوامل می تواند اشکال گوناگونی پیدا کند به عبارت دیگر، شکل آینده از پیش کشیده نشده است و یکی نیست بلکه می تواند بسته به تحولات عوامل مؤثر سازنده و شکل دهنده اجتماع، به صورتهای مختلف جلوه گر شود. آینده گزینها معتقدند که انسان می تواند آینده های مختلف را بسنجد و راهی پیش گیرد و تدابیری اتخاذ کند که احتمال رسیدنش به آینده مطلوب بیشتر شود.

مفهوم تفکر و عقلانیت در برنامه ریزی: برنامه ریزی، فعالیتی است حساب شده و منطقی، یعنی باید متکی به اطلاعات دقیق و صحیح باشد. نیازها و انتظارات را تشخیص دهد. محدودیتها، تنگناها موانع و منابع موجود را محاسبه و پیش بینی کند و براساس آنها طرحهای واقع بینانه برای رسیدن به مقصود تنظیم و ارائه کند.

برنامه ریزی آموزشی :

برنامه آموزشی طرح کلی برای یک فعالیت آموزشی است. این برنامه می تواند یک دوره یک ساعته، یک روزه، یک هفته ای و یا یک ساله یا بیشتر باشد. طرح ریزی یک دوره آموزشی، فرآیندی است که طی آن در مورد نیازهای آموزشی تصمیم گیری می شود اهداف آموزشی مشخص می گردد، محتوای آموزشی شناسایی یا تهیه می شود، روش های آموزشی انتخاب، وسایل آموزشی تعیین و روش ارزیابی فراگیران مشخص می گردد.

برنامه ریزی آموزشی، فرآیندی است که یاددهی را منظم تر می سازد. کارشناسان و طراحان آموزشی، تحقیقات زیادی در مورد چگونگی یادگیری مردم انجام داده اند. به علاوه بهترین روش ها را برای سازماندهی و ارائه اطلاعات به منظور به حداکثر رساندن یادگیری اثر بخش مطالعه کرده اند. به عنوان مثال: راهها و روشهای یادگیری بزرگسالان نسبت به کودکان متفاوت است؛ افراد

سبکهای یادگیری متفاوتی دارند؛ استفاده از روش های آموزشی مختلف مؤثرتر از روش به تنهایی است؛ و یا آموزش به صورت مشارکتی مؤثرتر از سخنرانی است. این موارد و نکات دیگر در مورد آموزش میتواند به ما در برنامه ریزی آموزشی کمک کند.

هدف از برنامه ریزی در آموزش، تلاش برای طراحی برنامه ای آموزشی است که به سطح زندگی، سلامت و رفاه مردم و اجتماع کمک نماید. در ضمن برنامه ریزی، تغییرات لازم برای بهبود شرایط باید شناسایی و توصیف گردند و دانش، نگرش و مهارت هایی که مردم به آنها نیاز دارند تا شرایط را تغییر داده و اصلاح کنند، تعریف شوند.

اهمیت برنامه ریزی آموزشی:

ضرورت برنامه ریزی برای هر سازمان و موسسه به اندازه ای روشن است که نیاز به تبیین و توجیه ندارد و برنامه ریزی برای سازمان به اندازه تنفس برای یک موجود زنده اهمیت دارد. برنامه ریزی بدون رعایت اصول برنامه ریزی معنایی ندارد چرا که این اصول راهنمای عمل بوده و در جریان تهیه و اجرای برنامه های آموزشی تاثیر زیادی دارد.

یک برنامه ریز تا زمانی که سیر حرکت خود را به خوبی نشناسد موفق نخواهد شد بدون شک هر اندازه برنامه ریزان نسبت به واقعیت ها آگاهی بیشتری کسب کنند و در خصوص تاثیر پذیری برنامه ها از واقعیات شناخت بیشتری و دقیق تری داشته باشند و واقع بینی در برنامه ریزی ها لحاظ شود می توانند به موفقیت برنامه هایشان امید وار باشند.

از طرفی تاریخ در حال نوشته شدن و آینده در حال ساخته شدن است. ما نباید دیگر به تماشای بودن در صحنه زندگی و تاریخ قناعت کنیم بلکه باید با درایت و اراده قوی در قالب ریزی و شکل دادن به آینده شرکت جوییم. به طور کلی، عوامل بی شماری در تعیین سرنوشت آینده دخالت دارند. بعضی از این عوامل مانند موقعیت و مقدار ذخایر و منابع طبیعی در اختیار ما

نیستند. از برخی عوامل دیگر اطلاع دقیقی نداریم؛ مثلاً حتی اگر بتوانیم در زمینه های دانش و تکنولوژی یا سیاست بین المللی راجع به احتمال وقوع برخی حوادث حدسهایی بزنیم و اظهار نظرهایی بکنیم، تاریخ وقوع آنها را به دقت لازم نمی توانیم تعیین کنیم. ولی عوامل دیگری هم هستند که انسان در کم و کیف و تغییر و دگرگونی آنها دخالت و نفوذ قابل توجهی دارد. از آن جمله خود انسان را می توان نام برد. همانطوریکه می دانیم اجتماع را انسانها می سازند و انسانها پرورده ی دست آموزش و پرورش (به معنای اعم آن) هستند. اینجاست که اهمیت فوق العاده ی برنامه ریزی آموزش و پرورش در شکل دادن به آینده آشکار می شود. اصولاً هدف برنامه ریزی این است که در سرنوشت آینده، اعمال نفوذ شود و آن را به سوی مقصد دلخواه و مناسب سوق دهد. آینده ابعاد گوناگونی دارد و به اشکال مختلف می تواند جلوه گر شود. شاید ما نتوانیم در تمام ابعاد و ارکان آن اعمال نفوذ کنیم ولی می توانیم از بین آینده های مختلف آن را که بیشتر به مدینه فاضله ی ما نزدیکتر است انتخاب کنیم و تدابیر و تمهیدات مناسب را برای حصول آن به کار بندیم.

ابعاد برنامه ریزی آموزشی :

برنامه ریزی در آموزش و پرورش دارای دو بعد کیمیت و کیفیت است :

بعدکیمیتی برنامه ریزی آموزش و پرورش به مسایلی می پردازد که جنبه مقداری و شمارشی دارند، از قبیل تعداد افراد مورد نیاز ، در سطوح مختلف دانش و مهارت و تخصص ، برای بخش های مختلف تولید و خدمات ، تعداد افراد لازم التعلیم در گروه های مختلف سنی ، تعداد شاگردان در دوره های مختلف رسمی عمومی ،تعداد شاگردان در دوره های و رشته های مختلف تخصصی تحصیلات رسمی ، تعداد شاگردان در برنامه های مختلف غیر رسمی ، تعداد معلمان

برای دوره ها ، رشته ها و برنامه های مختلف آموزشی ، تعداد مدیران و کارکنان آموزشی ، تعداد مدارس و مراکز و تاسیسات مختلف آموزشی، تجهیزات و وسایل آموزشی و غیره .

بعد کیفیتی برنامه ریزی آموزش و پرورش با محتوای آموزش و پرورش و چگونگی انجام آن سرو کار دارد و مسایلی از قبیل : فلسفه آموزش و پرورش، آرمان ها ، مقاصد و هدف های آموزش و پرورش ، مواد درسی ، تربیت معلم و مدیر ، روش شناسی آموزش و پرورش ، ارتباطات آموزش و پرورش ، محیط و فضای معنوی و روانی آموزش و پرورش و ... شامل می شود .

بدیهی است که هر برنامه آموزشی و پرورشی ، هم عناصر کمیتی دارد و هم اجزای کیفیتی . که در برنامه ریزی باید به هر دو توجه شود . در گذشته ، برنامه ریزی های آموزش و پرورش تک بعدی بودند و فقط هدف های کمیتی مورد توجه بودند . ولی به تدریج پای مسایل کیفیتی که در حقیقت جان و روح آموزش و پرورش هستند نیز به میان کشیده شده است . اما باید اذعان داشت که بازوی کیفیتی برنامه ریزی های آموزش و پرورش در مقایسه با بازوی کیفیتی هنوز بسیار ضعیف و ناتوان مانده است و علت این امر چی می تواند باشد ، آیا هدف های کیفیتی متضمن اصلاح ، بهبود ، تحول و دگرگونی های بنیادی آموزش و پرورش است ؟ ؛ آیا رسیدن به هدفهای کیفیتی دشوارتر از نیل به هدفهای کیفیتی است ؟، آیا هدف های کیفیتی به چشم نمی خورند و قابل لمس نیستند و اگر پیشرفتی حاصل شود یا نشود دیده نمی شود ؟ و

تاریخچه برنامه ریزی آموزشی :

برنامه ریزی آموزشی به مفهوم عام و کلی آن پیشینه ای دیرینه دارد و شاید بتوان گفت تاریخ تعلیم و تربیت آغاز شده است. پس از ظهور دین حضرت عیسی مسیح (ع) و گسترش مسیحیت، در سراسر اروپا ،کشیشان وروحانیون مسیحی به سهم خود متولی امور تعلیم و تربیت وعهده دار امور برنامه ریزی آموزش وپرورش شدند.

علاوه بر مسیحیان ، مسلمانان نیز از همان آغاز ظهور اسلام ، نسبت به گسترش تعلیم و تربیت و سازماندهی امور آموزشی، اهتمام خاص ورزیدند. زیرا ضرورت آموختن قرآن و فهم دستورات دینی و نیز لزوم ثبت و ضبط اخبار و احادیث و معرفی اسلام ، ایجاب می کرد که مردم سواد بیاموزند و در بالا بردن فهم دینی خود از خواندن و نوشتن مدد بگیرند. هنوز از آغاز دین مبین اسلام زمان زیادی نگذشته بود که شمار زیادی از مسلمانان سواد آموختند و به تعلیم و تعلیم قرآن و تبلیغ دین همت گماشتند. بنابراین رمز گسترش سواد در میان مسلمانان آن هم در زمانی کوتاه حاکی از به کار بستن تدابیر خاص و وجود اندیشه های برنامه ریزی آموزشی است.

با شکوفایی صنعت و گسترش فن آوری جدید در مغرب زمین، به ویژه در سده های اخیر و وقوع تحولات اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی و نیز افزایش نقش تعلیم و تربیت در زندگی انسانها، برای اداره امور آموزشی از روشها و فنون پیچیده تری مدد گرفته شد و به تدریج زمینه های شکل گیری برنامه ریزی آموزشی به عنوان یک دانش جدید در مغرب زمین فراهم گردید.

به موجب بررسی بین المللی یونسکو، اولین برنامه ریزی آموزش سیستماتیک همراه با برنامه ریزی اقتصادی در سال ۱۹۲۳ به صورت متمرکز - الزامی در شوروی آغاز شد. به طوری که استروملین^۱ (۱۹۶۲) گزارش کرده است، پیشرفت های سریع آموزشی شوروی از حدود جنگ جهانی اول (۱۸ - ۱۹۱۴) که در آن موقع قریب دو سوم جمعیت آن کشور بی سواد بوده اند، تاکنون که مقام ممتازی را از نظر سطح آموزش و پرورش به دست آورده است، مدیون برنامه ریزی دقیق آموزشی می باشد.

¹ Strumlin

کشورهای غربی، کم و بیش پس از بحران اقتصادی اوایل دهه ۱۹۳۰ به برنامه‌ریزی‌های اقتصادی از نوع ارشادی - ترغیبی رو کردند. این نوع برنامه‌ریزی‌ها چون برنامه تاردیو^۲ (۱۹۲۹) در فرانسه، برنامه نیودیل^۳ (۱۹۳۳) در آمریکا و برنامه واهلن^۴ (۱۹۴۱) در سوئیس فقط جنبه اقتصادی داشتند و مجرد و تجربی و بدون پی‌گیری بودند. لیکن، پس از جنگ جهانی دوم، مسائل بحرانی ناشی از آشفتگی‌های اقتصادی و اجتماعی و رشد غیر منتظره جمعیت موجب شد که علاوه بر کشورهای سوسیالیستی، کشورهای تابع اقتصاد سرمایه‌داری نیز برنامه‌ریزی را جدی تلقی کنند، و به‌خصوص برنامه‌ریزی آموزشی خود را نیز با برنامه‌ریزی عمومی اجتماعی - اقتصادی تلفیق کنند.

کشورهای جهان سوم نیز کم و بیش پس از جنگ جهانی دوم به توسعه اقتصادی متوسل شدند و به برنامه‌ریزی‌های گوناگون پرداختند. در این زمان بود که کمبود منابع نیروی انسانی به‌عنوان یکی از تنگناهای اساسی رشد اقتصادی اجتماعی توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را جلب کرد، و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش آغاز شد. بدین ترتیب، می‌توان گفت که برنامه‌ریزی آموزش و پرورش از برنامه‌ریزی اقتصادی - اجتماعی ریشه گرفته و مشتق شده، و سرمنشاء آن نیاز به تأمین نیروی انسانی لازم برای فعالیتهای اقتصادی، هم‌چنین نیاز به فراهم آوردن فرصت‌های برابر آموزش و پرورش برای همه مردم بوده است.

کشور ایران پس از جنگ جهانی دوم، از جمله پیشگامان جهان سوم در برنامه‌ریزی بود. اولین برنامه عمرانی هفت ساله ایران در حوالی سال ۱۹۴۹ (۱۳۲۸ شمسی) پیاده شد. در این برنامه

^۲ *The Tardieu plan*

^۳ *The new deal plan*

^۴ *The Wahlen plan*

بخشی نیز به توسعه اجتماعی از جمله توسعه آموزش و پرورش و فرهنگ اختصاص داده شده بود.

کشورهای دیگر جهان سوم نیز به تدریج توجه خاصی به برنامه‌ریزی پیدا کردند. از جمله هندوستان و غنا در سال ۱۹۵۱، برمه در ۱۹۵۲، کلمبیا در ۱۹۵۷، پاکستان در ۱۹۵۸، تونس در ۱۹۵۹ و به تدریج کشورهای دیگر نوپا نیز به برنامه‌ریزی رو آوردند.

اصول برنامه ریزی آموزشی :

برنامه ریزی آموزش و پرورش در ابتدا بر مبنای علمی جا افتاده ای استوار نبود . مطالعه تاریخیچه برنامه ریزی آشکار می سازد که بسیاری از مفاهیم برنامه ریزی ، آن چنانکه امروزه آنرا در می یابیم ، در گذشته روشن نبوده است . اصول برنامه ریزی به تدریج معلوم شده و شکل گرفته اند . در آینده نیز به شکل فعلی باقی نخواهند ماند و چه بسا تغییر و تکامل خواهند یافت .

ممکن است سوال شود : اگر اصول برنامه ریزی معلوم نبود پس برنامه ریزی چگونه صورت می گرفت و بر چه مبنایی پی ریزی می شد .

برنامه ریزی های اولیه بیشتر صورت تخیلی و آرزویی داشت . به همین دلیل است که بسیاری از برنامه ها عملی نبوده اند ، یا بین آنچه به نام برنامه روی کاغذ نوشته می شده و آنچه در میدان عمل ظاهر می گشته ، فاصله و تفاوت فاحشی وجود داشته است ، و چه بسا نتایج زیانباری را به همراه داشته است . امروزه نیز از این برنامه ها دیده می شود و برنامه ریزانی پیدا می شوند که به تخیل روی می آورند ، نظر شخصی را بر اصول علمی مقدم می شمارند ، و نقشه های آرزویی می کشند . اصول برنامه ریزی آموزش و پرورش به سه گروه قابل تقسیم هستند:

الف) اصول مقدماتی . اصول مقدماتی شامل سه اصل است که اصل اول آن هماهنگی توسعه

کمی با رشد و بهبود کیفی . منظور این است که همزمان و همگام با گسترش و تعمیم آموزش و

پرورش ، باید به اصلاح آن نیز اقدام کرد ، یعنی به کیفیت آن نیز توجه شود . اگر برنامه ریزی آموزش و پرورش فقط به افزایش تعداد (رشد کمی) توجه کند ، مثل این می ماند که عیب و نقصهای موجود آموزش و پرورش را به وسعت بیشتری گسترش دهد .

اصل دوم ، همبستگی سطوح مختلف و انواع آموزش و پرورش بوده و منظور این است که برنامه ریزی آموزش و پرورش فقط برای یک دوره تحصیلی نباشد ، بلکه تمام دوره های رسمی و غیر رسمی آموزش و پرورش را از دبستان تا دانشگاه در بر گیرد . ضمناً هدف آموزش و پرورش نه تنها تربیت نیروی انسانی برای دنیای کار ، بلکه تمام نیازهای تربیتی انسان را در بر می گیرد .

اصل سوم نیز انطباق برنامه های آموزش و پرورش با نیازهای توسعه ملی می باشد که منظور از آن این است که برنامه ریزی آموزش و پرورش نباید بطور مجزا و منفک در برنامه ریزی عمرانی و اجتماعی انجام گردد ، بلکه باید با برنامه های اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی هماهنگ و همساز باشد و در چار چوب برنامه ریزی توسعه ملی صورت گیرد .

ب) اصول عمومی : یک موضوع قابل بحث در باب برنامه ریزی آموزش و پرورش این است که آیا می توان یک برنامه واحد را در کشورهای مختلف پیاده کرد ؟ آیا تدابیر و راهبردهایی که در زمان و موقعیت خاصی در یک اجتماع با موفقیت روبرو شده اند ، در زمان و موقعیت متفاوت در کشورهای دیگر نیز موفق خواهند شد . بطور کلی ! آیا برنامه ریزی یک فرمول دارد یا اینکه تابع شرایط زمان و مکان است .

برنامه ریزی آموزشی فرمول ویژه ای ندارد و از جایی به جای دیگر تفاوت می کند . ولی اصول برنامه ریزی آموزشی در همه جا صادق و یکسان است . به عبارت دیگر ، ضمن آنکه برنامه ریزی آموزشی هر کشور باید فلسفه و شرایط سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی ، و سطح پیشرفت و

توسعه و سایر مقتضیات آن کشور متناسب باشد . در عین حال اصولی وجود دارد که کلی و عمومی هستند و باید آنها را مراعات کرد .

این اصول شامل پنج اصل بشرح ذیل می باشد .

اصل اول : اصل جامعیت برنامه ریزی آموزش و پرورش.

برنامه باید جامع باشد . یعنی تمام دوره های آموزش رسمی و غیر رسمی را در بر گیرد . و علاوه بر مسایل آموزشی به امور مدیریت ، بودجه و اعتبارات ، ساختمان و تاسیسات ، تجهیزات و ... توجه کند.

اصل دوم : اصل همبستگی برنامه ریزی آموزش و پرورش با برنامه توسعه ملی .

آموزش و پرورش در ارتباط با آرمانهای ملی ، هم هدف است و هم وسیله . هدف است ، زیرا خودش ارزش دارد و برای غنای فرهنگی و تعالی ارزشهای انسانی لازم است . وسیله است ، زیرا برای رسیدن به هدفهای دیگر اجتماعی چون هدفهای اقتصادی و .. ضروری است .

اصل سوم : اصل مداومت برنامه ریزی آموزش و پرورش .

برنامه ریزی آموزش و پرورش باید دراز مدت و مداوم باشد . آموزش و پرورش فعالیتی است که به زمان نیاز دارد و محصول آن زود بدست نمی رسد . طول مدت تحصیل با احتساب تحصیلات دانشگاهی در حدود هیجده سال است . یعنی محصول آموزش و پرورش بعد از حداقل بیست سال معلوم می شود .

بنا براین برای متخصصانی که برای بیست سال آینده نیاز است ، امروز باید برنامه ریزی کرد . و چه بسا ممکن است در طول این بیست سال تغییرات اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و .. همه برنامه ها را تغییر دهد . پس برنامه ریزی آموزش و پرورش به تهیه و تنظیم یک برنامه ختم نمی شود .

بلکه باید انعطاف پذیر باشد ، و به طور مداوم ، به موازات پیشرفت دانش و تکنولوژی و تغییر و تحولات اجتماعی ، تجدید نظر و نوسازی شود .

اصل چهارم : توجه به جنبه های کیفی برنامه ریزی آموزشی .

برنامه ریزی آموزش و پرورش باید نه تنها به مسایل توسعه کمی ، بلکه به بهبود کیفیت آموزش و پرورش نیز عنایت کند . توسعه کمی و اصلاح کیفی ، دو بعد رشد و اصلاح آموزش و پرورش هستند . اگر یکی از این دو بازو بزرگ شود ، ولی دیگری کوچک بماند ، شکل سیستم نامناسب خواهد شد و تعادل آن بهم خواهد خورد .

اصل پنجم : توجه به مدیریت و سرویس اطلاعات آموزش و پرورش .

بدون اطلاعات و آمار صحیح و کامل نمی توان برنامه ریزی درستی انجام داد. ولی به فرض آنکه برنامه به بهترین وجه تهیه شود ، اگر نظام آموزش و پرورش مناسب نباشد و دستگاه و تشکیلات و مدیریت آن علاقه مند، وارد و کاربر نباشد ، طبعا به اجرای صحیح و مطلوب برنامه نمی توان امیدوار بود .

پ) اصول متمم : برنامه ریزی آموزش و پرورش به دلیل اینکه پنج اصل عمومی که ذکر شده لازم هستند ولی کافی نیستند توسط کارشناسان برنامه ریزی ابداع شده اند که به اصول متمم معروف هستند که این اصول عبارتند از :

اصل واقع بینی :

برنامه ریزی آموزش و پرورش باید واقع بینانه باشد . برای آنکه برنامه واقع بینانه باشد ، به چند سلسله عوامل باید توجه کرد در غیر این صورت طبعا برنامه ریزی ما واقع بینانه نخواهد بود .

• عوامل کمی عرضه و تقاضا : از قبیل جمعیت واجب التعلیم، نیروی انسانی ، منابع مورد نیاز ،

هزینه ها ، تعداد مدارس ، تعداد کلاس ها ، تعداد معلمان ، مدیران و کارمندان و ..

- زمینه اجتماعی : عواملی از قبیل نگرش اجتماع به آموزش و پرورش - ارزشهای اجتماعی - خواستها و انتظارات گروههای مختلف مردم از آموزش و پرورش ...
- عوامل اجرایی : عواملی از قبیل چگونگی سازمان و تشکیلات و نظام آموزش و پرورش - قوانین استخدامی - نظام حقوق و شرایط ترفیع - نحوه مدیریت و سلسله مراتب اداری - چگونگی تصمیم گیری - چگونگی تعلیم معلمان و ...
- مسایل سیاسی : مسایلی از قبیل چگونگی تصمیم گیری و مشارکت در برنامه ریزی - (چه افرادی ، در چه مواردی ، تا چه حد در تصمیم گیری مشارکت داده می شوند ، و رای و نظرشان تا چه حد منشا اثر است) - هماهنگی و همکاری دستگاهها - مداومت و پیگیری برنامه ها و ...
- عوامل مالی : عواملی مانند چگونگی بودجه ریزی آموزش و پرورش - چگونگی کنترل و نظارت مالی - چگونگی تعیین اولویت ها و ملاک های بودجه ریزی . و ...
- مسایل اطلاعاتی : نقص اطلاعات به نقص برنامه ریزی منجر می شود . اگر ندانیم چه عواملی باعث می شود که شاگردان ترک تحصیل کنند ، یا از رشته هایی رو گردان شوند ، چه چیز باعث فرار مغزها می شود ، چه چیز باعث افسردگی و دلزدگی و واخوردگی جوانان از تحصیل می گردد ، چه روشهای آموزشی برای چه نتایجی مناسب و برای چه هدفهایی نامناسب است ، چه عیب ها و نقص ها در امور اداری و آموزشی و مالی وجود دارد و ...

اصل همکاری و مشارکت :

این اصل مربوط به اجرا و عمل برنامه ریزی است و در خور توجه خاص می باشد . آیا برنامه ریزی را باید چند نفر متخصص انجام دهند ؟

متخصصان برنامه ریزی هر قدر در کار خود مسلط باشند ، آیا آنچنان بصیرتی دارند که بتوانند همه نیازهای آموزشی افراد و بخشهای مختلف اجتماع را در یابند . به نظر می رسد که برنامه ریزی آموزش و پرورش به همکاری و مشارکت و تبادل نظر موثر همه نیازمند است .

اصل استمرار و ارزیابی :

برنامه آموزش و پرورش باید به طور مداوم ارزیابی و تجدید نظر گردد و با پیشرفت زمان همگام شود . هنر برنامه ریزی در این است که بین نیازه مشخص ساختن فعالیتهای برنامه از یک سو ، و لزوم برقراری انعطاف از سوی دیگر ، تعادل برقرار شود .

اصل تغییر و تحول :

اگر قرار باشد آموزش و پرورش بر اساس روند موجود پیش رود ، رشد کند ، توسعه یابد ، دیگر احتیاجی به برنامه ریزی نیست . برنامه ریزی برای آن است که در روند موجود تغییر و تحول ایجاد کند ، و آنرا در مسیر جدیدی قرار دهد و کمبودهای کمی و معایب کیفی آنرا بر طرف سازد .

اصل ضمانت اجرایی :

در تهیه و تنظیم برنامه باید شرایط اجرای آن مد نظر باشد . یکی از محدودیت های برنامه ریزی آموزش و پرورش این است که باید با نظام ، سازمان ، و تشکیلات آموزش و پرورش و مقررات اداری و مالی و آموزشی آن متجانس باشد و گرنه ضمانت اجرایی نخواهد داشت . بسیاری اوقات دیده شده است که یک برنامه ظاهرا جالب آموزشی ، تماما یا قسمتهایی از آن ، به علت برخورد با مقررات مالی و اداری و آموزشی یا شکل سازمانی از اجرا باز مانده و فلج شده است.

عوامل و منابع مهمی که در هر برنامه ریزی آموزشی مطرح می شود.

- برنامه توسعه
- انتظارات و خواست های جامعه
- تغییرات تکنولوژیک : برنامه ریز آموزشی باید تلاش خود را متوجه پیشرفت علم و تکنولوژی کند .
- بودجه (استفاده ی بهینه از منابع مالی)
- بازار کار ، هرفرد میخواهد با کسب مهارت و دانش برای انجام کاری معین در اداره ی جامعه و معیشت خود موفق باشد.
- نیازها و استعدادها و رشد و کمال انسانی ، سازگاری برنامه ریزی با فطرت، با اصول و قوانین رشد.
- نیروی انسانی ، هرسی بلانچارد معتقد است که فقدان تکنولوژی یا منابع مالی قابل جبران است اما فقدان انسان قابل جبران نیست (چه تعداد نیرو ، ارتقای کیفی نیروها از نظر فکری نگرش مهارتهای ذهنی روابط انسانی و ادراک و حتی سطح دانش و فنون مختلف مورد توجه برنامه ریز آموزشی است).
- جمعیت ؛ مثل افراد واجب التعلیم
- امکانات آموزشی ، کلاس های درسی ، زمین بازی ، آزمایشگاه ، کارگاه ، کتابخانه و...
- اطلاعات ، آمار و پژوهش ، جمع آوری داده ها ، تجزیه و تحلیل به کارگیری اطلاعات

مسائل اساسی برنامه ریزی آموزشی از دیدگاه فیلیپ کومز:

- اهداف و وظایف نظام آموزشی چیست ؟ با تکیه بر فلسفه و ارزش های جامعه ، اهداف تعیین می کنند.

- تعیین راه حل های ممکن ، تعیین راه ها ، روش ها ، تکنولوژی مناسب ، روشن کردن مدت زمان اجرا ، عملی ساختن اهداف

- تعیین منابع موردنیاز و توزیع مطلوب منابع

- تعیین کسانی که باید هزینه های آموزش و پرورش را بپردازند.

- منابع چگونه باید تخصیص داده شود ، ساختمان ، کتاب ، تجهیزات ، کتابخانه ،

آزمایشگاه

ارکان برنامه ریزی آموزشی :

هر برنامه شامل سه رکن اساسی است: اهداف، وسایل و منابع ، تدابیر و راهبردها. برای تهیه و تنظیم یک برنامه، لازم است که به سه سؤال درباره ارکان مذکور پاسخ گفته شود. این سؤالات عبارتند از:

۱. اهداف این برنامه چیست، مقصدمان کجاست و چه می‌خواهیم؟

۲. برای رسیدن به این مقصد و خواسته‌ها، به چه وسایل و منابعی نیاز داریم و محدودیت ها

و منابع پیش روی ما کدامند؟

۳. برای استفاده از این منابع در جهت دستیابی به اهداف برنامه، چه تدابیر و راهبردهایی را

می‌توان به کار بست؟

سؤالات فوق ممکن است دارای پاسخ‌های متعددی باشند؛ لذا لازم است که برنامه‌ریز آموزشی دست به نوعی تصمیم‌گیری و انتخاب بزند. اگر برنامه‌ریزی آموزش و پرورش به سبک آرزویی و خیالی باشد، تصمیم‌گیری بسیار آسان است؛ زیرا در برنامه‌ریزی آرزویی، به حساب و کتاب و مطالعه احتیاجی نیست. اگر برنامه‌ریزی واقع‌بینانه و اصولی باشد، تصمیم‌گیری دشوار است. اصولاً،

برنامه‌ریزی نوعی تصمیم‌گیری است؛ تصمیم‌گیری درباره مقصد و وسیله، اینکه چه می‌خواهیم و چگونه می‌توانیم آن را به دست آوریم.

در تصمیم‌گیری‌های برنامه‌ریزی آموزشی سه مفهوم مستتر است: مفهوم انتخاب، مفهوم ریسک یا خطر، مفهوم محدودیت.

منظور از مفهوم انتخاب این است که برنامه‌ریز باید به نیازها و هدف‌های متفاوتی که تقاضا می‌شود، شقوق و راه‌های مختلفی که برای رسیدن به مقصد وجود دارد، و امکانات گوناگونی که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد توجه کند و شقوق مختلف راه‌بردها را مطالعه و در نظر گیرد. اگر در برنامه فقط یک راه ارائه شود، مسئله انتخاب منتفی می‌گردد و طبعاً نیازی به تصمیم‌گیری نخواهد بود؛ زیرا تصمیمات قبلاً گرفته شده است.

مسئله دوم در تصمیم‌گیری، احتمال خطر یا ریسک است. برنامه‌ریز باید بکوشد تا راه‌ها و تدابیر مختلفی برای رسیدن به مقصد پیدا کند. هر یک از این راه‌ها مزایا و معایبی دارند. اگر مزایای یک راه به‌طور بارزی بر مزایای راه‌های دیگر رجحان داشته باشد باز هم موضوع تصمیم‌گیری عملاً منتفی می‌شود؛ زیرا راهی که باید انتخاب شود آن‌چنان آشکار است که خود به‌خود انتخاب خواهد شد. ولی اگر توازن مزایا و معایب هر راه آن‌چنان باشد که نتوان مزیت یک راه را بر راه دیگر به آسانی تشخیص داد، در این صورت تصمیم‌گیری مستلزم سنجش مزایا و معایب راه‌های مختلف می‌شود؛ و انتخاب هر راه، خواهی نخواهی، توأم با خطر کردن می‌گردد. گاهی اوقات تصور می‌شود که برنامه‌ریزی موجب می‌گردد که ریسک از میان برود یا به حداقل ممکن برسد. اما باید متوجه بود که برنامه‌ریزی ریسک را از میان بر نمی‌دارد ولی می‌کوشد ریسکی که می‌کند عاقلانه و حساب‌شده باشد.

مسئله سومی که در تصمیم‌گیری‌های برنامه‌ریزی، پنهان می‌باشد، محدودیت منابع است. در حقیقت، محدودیت منابع در مقابل نامحدود بودن خواست‌ها موجب می‌شود که حق تقدم یا اولیوی برای خواست‌های خود قائل شویم. نیاز به تعیین اولویت‌ها موجب می‌شود که به برنامه‌ریزی متوسل شویم. اگر منابع محدودیتی نداشت، می‌توانستیم به همه خواست‌ها پردازیم و نیازی به تعیین اولویت و تقدم و تأخر هدف‌ها پیدا نمی‌شد. تعیین اولویت‌ها سرآغاز برخورد منابع و نیازها است و یکی از حساس‌ترین مراحل برنامه‌ریزی می‌باشد.

تصمیم‌گیری واقع‌بینانه مستلزم آن است که اجرای آن امکان‌پذیر باشد. بدین جهت لازم است که حوزه امکانات و مقدرات را بشناسیم. گروهی معتقدند که حوزه امکانات از تلاقی دو مجموعه منابع و موانع ایجاد می‌شود.

گروهی دیگر نیز عقیده دارند که حوزه امکانات از تلاقی سه مجموعه توقعات - نیازها، منابع - موانع، و راه‌بردها - اولویت‌ها به وجود می‌آید.

هر دو مدل مذکور معقول هستند و مفهوم حوزه امکانات را می‌رسانند؛ ولی در هر دو مدل، از نظر چگونگی تجسم مفهوم، نقطه ضعفی دیده می‌شود؛ بدین معنی که تغییر حوزه امکانات را به درستی توجیه نمی‌کنند. مجموعه‌های توقعات و نیازها، منابع و موانع و راه‌بردها و اولویت‌ها ثابت و یکسان نیستند و در طول زمان تغییر می‌کنند. طبعاً، تغییر هر یک از آنها در محدوده امکانات و مقدرات منعکس می‌شود و آن را تغییر می‌دهد. این‌گونه تغییرات را نمی‌توان در دو مدل بالا به درستی نشان داد.

برای رفع مشکلات بالا، شاید بهتر آن باشد که حوزه امکانات را در مدلی که حوزه امکانات را در حد فاصل بین مجموعه منابع و مجموعه موانع می‌پندارد نشان دهیم، در این مدل، سه دایره متحدالمرکز به شکل دایره‌های رشد درخت، نشان داده شده است که اشعه‌ای به مانند خط اثر

آوندها آنها را قطع کرده و قطاع‌هایی ساخته است. سه دایره مزبور معرف سه مجموعه هستند: مجموعه توقعات، نیازها، خواستها و انتظارات فردی و اجتماعی - مجموعه منابع مادی، مالی، علمی، فنی و انسانی - مجموعه موانع و محدودیت‌ها.

محدوده امکانات و مقدورات در حد فاصل بین مجموعه منابع و مجموعه موانع و محدودیت‌ها قرار گرفته است. این محدوده که به نام حوزه امکانات نامیده می‌شود، به شکل تاجی بین دو دایره دوم و سوم که به ترتیب معرف مجموعه منابع و مجموعه موانع هستند، نشان داده شده است. طبق این مدل هر قدر دامنه منابع وسیع‌تر شود، حوزه امکانات نیز بزرگ‌تر می‌گردد و هم‌چنین، هر قدر از موانع و محدودیت‌ها کاسته شود، میدان عمل، و مقدورات بازتر می‌گردد. برعکس، هر قدر فاصله بین منابع و محدودیت‌ها کمتر شود، حوزه امکانات و میدان عمل نیز تنگ‌تر می‌شود.

در این میان، موقعیت و نقش راه‌برد یا استراتژی چیست؟ راه‌برد یا خط مشی، مجموعه تدابیری است که با استفاده از پاره‌ای منابع، و بر کنار ساختن بعضی موانع و محدودیت‌ها، ما را به تعدادی از هدف‌ها و خواست‌ها می‌رساند. در این مدل، راه‌بردها به صورت شعاع‌ها یا خطوط اثر آوند نشان داده شده‌اند که از مرکز مشترک دایره‌های رشد که معرف کانون اجتماع است منشأ می‌گیرند و دایره‌های رشد را به قطاع‌هایی تقسیم می‌کنند. بدین ترتیب، بسته به استراتژی‌هایی که به کار برده می‌شود، اولویت بین هدف‌ها و خواست‌ها مشخص می‌گردد و معلوم می‌شود به چه منابعی نیاز است، چه موانع و محدودیت‌هایی بر سر راه قرار دارد، و محدوده امکانات و مقدورات چیست.

الف) تعیین اهداف در برنامه ریزی :

تعیین هدف، حساس‌ترین و به اعتباری مشکل‌ترین مسئله برنامه‌ریزی آموزش و پرورش است؛ زیرا آموزش و پرورش فعالیتی است بنیادی که در حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اجتماع منعکس می‌شود و اثر غیر قابل برگشت می‌گذارد. رشد، ترقی، و کمال و تعالی انسان‌ها و

اجتماع به نوع آموزشی که افراد، چه در مدرسه و چه در خارج از آن، می‌بینند بستگی دارد. اگر کیفیت و کمیت آموزش خوب باشد زمینه‌ای لازم برای پیشرفت و تعالی فراهم می‌آورد و اگر بد باشد موجب انحطاط و عقب‌ماندگی می‌شود.

برای تعیین اهداف در برنامه ریزی آموزشی بایستی موارد ذیل را در نظر گرفت:

نیاز فراگیران: براساس تعاریف یادگیری و آموزش، تمام تلاش نظام های آموزشی باید بر تبدیل رفتارهای نامطلوب یا نسب تاً مطلوب فراگیران ب رفتارها و عملکردهای مطلوب اجتماعی، فرهنگی و علمی متمرکز شود. اگر تغییر رفتار فراگیران بر اساس پرورش تفکر، گرایش ها، ارزش ها و مهارت های عملی تعبیر و تفسیر شود، باید به ویژگی های فراگیران نظیر احتیاجات، علایق و توانایی های آنان اولویت خاصی داده شود. شناخت نیازهای فراگیران از مهمترین کارهایی است که طراح آموزشی باید انجام دهد.

نیاز جامعه: هنگامی که نیازهای جامعه به منظور تدارک و تنظیم اهداف آموزشی مطالعه میشود، باید وضع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بهداشتی جامعه را در زمان گذشته، حال و آینده بررسی و اهداف آموزشی را بر اساس نیازهای آن جامعه تنظیم کرد. مسایل و نیازهای جامعه باید با عنایت به مسایل و نیازهای کنونی و آینده فراگیران تنظیم شود تا فراگیران پس از نیل به آن اهداف بتوانند در موقعیت های مختلف، زندگی خوب و سعادت‌مندی داشته باشند و در حفظ و بهسازی اجتماعی سهمی مؤثر بر عهده بگیرند.

دیدگاههای متخصصان: ماهیت و ساخت دانش و دیدگاه های متخصصان، یکی دیگر از عوامل تعیین کننده اهداف آموزشی است مثلاً برای تعیین اهداف آموزشی درس روان شناسی یادگیری باید به یافته های جدید، نظریه های نو و اصول و قوانین کشف شده توجه شود و یا برای پیشگیری

از بیماری های واگیر و غیرواگیر به آخرین راه های مؤثر در پیشگیری و کنترل این بیماری ها توجه شود

سطوح هدف های آموزش و پرورش از نظر برنامه ریزی

۱. آرمان های جهانی آموزش و پرورش:

آرمان های جهانی آموزش و پرورش از مرزهای سیاسی و جغرافیایی فراتر می روند، همه بشریت را فارغ از نژاد، دین، و مرام در بر می گیرند، و متضمن رسالتی هستند که آموزش و پرورش باید در پایدار ساختن تفاهم صلح و امنیت، برابر ساختن فرصت ها، استقرار حقوق و عدالت اجتماعی، گسترش مرزهای دانش و معرفت و پیشبرد بشریت به سوی کمالات انسانی در سراسر جهان بر عهده گیرد. آرمان های جهانی آموزش و پرورش در دستورات ادیان بزرگ، نوشته ها و گفته های متفکران انسان دوست، و هم چنین در پاره های از منشورها و توصیه نامه های سازمان ملل منعکس هستند.

۲. آرمان های ملی آموزش و پرورش:

آرمان های ملی آموزش و پرورش از فرهنگ ملی ریشه می گیرند و هدف های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ویژه هر کشور را دنبال می کنند؛ مثلاً، هدف شهروندی و میهن پرستی ضمن آنکه یک هدف عمومی است، در هر کشوری رنگ سیاسی و فرهنگی خاص آن کشور را به خود می گیرد. در یکی تکیه بر اشاعه مرام سیاسی سوسیالیستی است؛ در یکی دیگر، حفظ و تقویت مبانی حکومت دموکراسی؛ در یکی تکیه بر تعلیمات مذهبی و ارزش ها و اخلاقیات عیسوی است؛ در یکی دیگر، پیروی از تعالیم عالیه اسلامی؛ در بعضی تکیه بر احیاء فرهنگ و ارزش های ملی آفریقایی است؛ در برخی، تقویت مبانی فرهنگ ملی و جهان بینی خاص کشورهای آسیایی.

رسالت و مأموریت آموزش و پرورش از آرمان‌های ملی آموزش و پرورش منشأ می‌گیرند و در حقیقت، هدف‌هایی هستند که نهاد آموزش و پرورش به خاطر آنها پدید آمده است، و برنامه‌ریزی به منظور تحقق بخشیدن به آنها انجام می‌شود.

این نوع هدف‌ها، مانند آرمان‌های ملی آموزش و پرورش، از نظر بُعد زمان، جزء هدف‌های بلندمدت به‌شمار می‌روند، و مانند آنها در قالب عبارات رنگین و کلی بیان می‌شوند؛ ولی نسبت به آنها مشخص‌تر و ملموس‌تر هستند. بدین قرار که در قوانین مختلف شکل می‌گیرند، و اولویت‌ها را منعکس می‌سازند، و خط مشی و سیاست آموزشی و پرورشی رسمی را مشخص می‌کنند. هدف‌های تربیت نیروی انسانی مورد نیاز بخش‌های تولیدی خدمات تحکیم و تقویت اعتقادات و شعائر دینی و اخلاقی، حفظ و گسترش میراث‌های فرهنگی، و القای همبستگی و وحدت و غرور ملی، جزء رسالت و مأموریت سیستم آموزش و پرورش ذکر می‌شوند. از این میان، بعضی از هدف‌ها نسبتاً دقیق و مشخص هستند. برخی دیگر، مفهوم روشن و معین قابل اندازه‌گیری ندارند و می‌توانند به‌صورت‌های متفاوتی تعبیر و تفسیر شوند. اگر منظور از سیستم آموزش و پرورش، مجموعه نهادها و مؤسساتی باشد که در تعلیم و تربیت مردم یک اجتماع مؤثر هستند، دامنه عمل و پوشش چنین سیستمی بسیار وسیع است؛ و طبعاً تعیین هدف‌ها یا رسالت و مأموریت آن نیز جنبه کلی‌بافی پیدا می‌کند. ولی اگر منظور از سیستم آموزش و پرورش، مثلاً فقط محدوده عمل وزارت آموزش و پرورش باشد در این صورت رسالت و مأموریت آن محدودتر خواهد بود، و به همان نسبت نیز می‌توان هدف‌ها را دقیق‌تر بیان کرد.

به‌طور کلی، سیاست و رسالت سیستم آموزش و پرورش، مبین هدف‌های برنامه‌ریزی آموزش و پرورش است و بر اساس آن، هدف‌ها و خط مشی‌های برنامه تعیین می‌گردد، هدف‌ها و خط مشی‌هایی از قبیل:

- خطمشی و سیاست عمومی آموزشی، مشتمل بر چگونگی ساخت و نظام آموزش و پرورش، طول دوره تحصیلات همگانی، مختلط بودن آموزش در دوره‌های مختلف، برابری فرصت‌ها و راه یافتن به مدارج مختلف آموزشی و امثال آن.

- خطمشی اقتصاد آموزش و پرورش، مشتمل بر سهمیه آموزش و پرورش، بودجه‌بندی فعالیت‌ها و برنامه‌ها، رایگان بودن آموزش و پرورش، سرمایه‌گذاری‌های آموزشی و جز آنها.

- خطمشی توسعه آموزش و پرورش، مشتمل بر تعیین اولویت‌های دوره‌ها و برنامه‌های مختلف آموزش و پرورش، توزیع آموزش و پرورش، هماهنگی آموزش و پرورش با برنامه‌های دیگر توسعه ملی و امثال آنها.

- خطمشی کیفی و فنی آموزش و پرورش، مشتمل بر چگونگی تعیین محتوای برنامه‌های آموزشی، روان‌شناسی، تکنولوژی، نوآوری، و دیگر جنبه‌های فراگرد و تولید آموزش و پرورش.

وظائف پاره سیستم‌های آموزش و پرورش

وظائف پاره سیستم‌های آموزش و پرورش مبین هدف‌هایی هستند که هر یک از اعضاء یا بخش‌های عمده سیستم آموزش و پرورش بر عهده دارد. مانند هدف‌های تعلیمات ابتدائی، هدف‌های تعلیمات دوره راهنمائی، هدف‌های تعلیمات دوره متوسطه، هدف‌های دوره‌های دانشگاهی، هدف‌های تعلیمات غیر رسمی، و امثال آنها.

این قبیل هدف‌ها در داخل سیستم کل آموزش و پرورش تعیین می‌شوند و از هدف‌های سیستم ریشه می‌گیرند. از نظر بُعد زمان، جزء هدف‌های میان مدت به‌شمار می‌روند. از نظر بُعد اختیار توسط مقامات و مراجع تصمیم‌گیری و رهبری داخلی سیستم آموزش و پرورش چون شوراهای عالی آموزش و برنامه‌ریزی تعیین می‌شوند، و از نظر برنامه‌ریزی، به‌عنوان هدف‌های مشخص برنامه تلقی می‌گردند و بدین جهت باید دقیق و مشخص باشند. هدف‌هایی چون: ریشه‌کن کردن

بی‌سوادی، تأمین آموزش ابتدائی برای تمام گروه سنی اطفال مربوط، آموختن لااقل یک حرفه و فن به تمام دانش‌آموزان دبیرستانی، و متعادل ساختن رشد و توسعه آموزش عالی با توسعه و عمران منطقه‌ای و امثال آنها جزء این طبقه از هدف‌ها به‌شمار می‌روند

مقاصد اجرائی آموزش و پرورش نیز شامل هدف‌هایی هستند که رسیدن به آنها برای فراهم آوردن موجبات اجراء وظایف پاره سیستم‌های آموزش و پرورش لازم است؛ مثلاً، تربیت معلم، تربیت مدیر، تربیت راهنما و مشاور، تأسیس مدارس، احداث کتابخانه، و تهیه وسایل و منابع و تجهیزات آموزشی جزء این گروه هدف‌ها می‌باشند.

هدف‌ها یا مقاصد اجرائی آموزش و پرورش از نظر بُعد زمان معمولاً جزء هدف‌های میان مدت و کوتاه مدت به‌شمار می‌روند. توسط مسؤولان و مدیران ارشد اجرایی و دفاتر برنامه‌ریزی داخلی سیستم آموزش و پرورش تعیین می‌شوند. از نظر برنامه‌ریزی، به‌عنوان هدف‌های طرح یا اجزاء برنامه تلقی می‌گردند.

هدف‌های اجرائی آموزش و پرورش، خود، غایت مقصود نیستند بلکه معرف وسیله رسیدن به مقصود هستند. به زبان ساده، هدف‌های اجرائی به ما می‌گویند: می‌خواهیم چه منابع انسانی (تعداد و نوع معلمان، مدیران، و کارکنان آموزشی) آماده کنیم، چه منابع مادی (شامل مدارس، و تأسیسات و تجهیزات) تهیه کنیم، چه منابع مالی (شامل اعتبارات جاری و سرمایه‌ای) به‌دست آوریم، چه منابع فنی (از قبیل کتاب‌ها و وسایل درسی و کمک درسی و اطلاعات فنی) فراهم آوریم، و چگونه این منابع را سازمان دهیم، متشکل سازیم و به کار گیریم تا به هدف‌های تعلیماتی و تربیتی برنامه برسیم.

هدف‌های درسی نیز شامل تغییراتی هستند که انتظار داریم فراگرد آموزش و پرورش در کردار، گفتار، و پندار محصل ایجاد کند. پوشش هدف‌های درسی خیلی وسیع‌تر از اکتساب معلومات

می‌باشد، و شامل رشد فکری و تقویت قوای ذهنی، رشد و بلوغ عاطفی، پرورش مهارت‌های بدنی، آموزش فرهنگی و اجتماعی، آموزش حرفه‌ای و تخصص، پرورش (خوی) و تحکیم شخصیت، و آماده ساختن انسان برای خویشتن‌شناسی و دگرآگاهی، درک صفا و زیبایی و خلاقیت زندگی، و بالاخره معرفت حق و حقیقت است.

هدف‌های درسی از نظر بُعد زمان جزء هدف‌های کوتاه مدت، میان مدت، و بلند مدت به‌شمار می‌روند. کوتاه مدت هستند برای اینکه هم‌زمان با پیشرفت درس، تکوین می‌یابند. میان مدت هستند برای اینکه طول مدت درس و دوره‌های آموزشی چند سال به درازا می‌انجامد. دراز مدت هستند برای آنکه با خوی انسان می‌آمیزند و در طول زندگی با او همراه هستند.

هدف‌های درسی ظاهراً توسط برنامه‌ریزان درسی تدوین می‌شوند ولی در حقیقت، همه کسانی که فرهنگ اجتماع را به‌وجود می‌آورند، همه به‌طور غیر مستقیم در تعیین هدف‌های درسی دست دارند؛ زیرا هدف‌های درسی از آرمان‌های آموزش و پرورش منشاء می‌گیرند، و آرمان‌های آموزش و پرورش نیز محصول فرهنگ مسلط کشور است، و فرهنگ مسلط کشور مشخص‌کننده نوع انسان‌های مورد نیاز.

اگر هدف‌های جزئی یعنی هدف‌های در سطح دروس را هدف‌های درسی بنامیم و هدف‌های کلی یعنی هدف‌های در سطح برنامه و فعالیت و دوره‌های آموزشی را هدف‌های آموزشی، می‌توانیم بگوییم که برنامه‌ریزی آموزش و پرورش با هدف‌های آموزشی سروکار دارد نه با هدف‌های درسی. ولی، برنامه‌ریزی مواد درسی با هر دو نوع هدف‌ها مربوط است.

ب) تعیین محدوده منابع و امکانات:

چرا تمام انتظارات و تقاضاهای آموزشی اجتماع برآورده نمی‌شود؟

پاسخ به سؤال بالا را باید در مجموعه منابع و موانع یا مقدرات و محدودیت‌های آموزش و پرورش جستجو کرد.

منابع و موانع در آموزش و پرورش شامل منابع و موانع درون‌زا؛ منابع و موانع برون‌زا و منابع و موانع درون‌زا و برون‌زا (مختلط) می‌باشد.

۱. منابع و موانع درون‌زا:

منابع و موانع درون‌زای آموزش و پرورش مربوط به ماهیت تعلیم و تربیت است و با طبیعت فراگیری انسان، دانش و تکنولوژی علوم تربیتی، و ساخت و نظام آموزش و پرورش بستگی دارد.

• طبیعت فراگیری انسان

انسان چگونه فرا می‌گیرد؟ کمبودهای دانش بشر درباره طبیعت فراگیری انسان یکی از محدودیت‌های اساسی آموزش و پرورش می‌باشد، ولی گذشته از آن، عامل دیگری که وابسته به طبیعت یادگیری است عامل زمان می‌باشد. یادگیری فراگردی است تدریجی و کند، طول می‌کشد و زمان می‌خواهد. دیررس بودن محصول آموزش و پرورش یکی از اساسی‌ترین محدودیت‌های توسعه آن است و به همین دلیل در برنامه‌ریزی آموزش و پرورش حائز اهمیت خاص می‌باشد

• دانش و تکنولوژی آموزش و پرورش

منظور از دانش آموزش و پرورش، اطلاعات نظری است که در زمینه تعلیم و تربیت به‌دست آمده؛ و منظور از تکنولوژی آموزشی، به‌کار گرفتن دانش مزبور. مجموعه دانش و تکنولوژی آموزش و پرورش را می‌توان منابع فنی آموزش و پرورش نام نهاد. هر قدر منابع فنی آموزش و پرورش غنی‌تر باشد، یعنی هر قدر دانش ما بیشتر و تکنولوژی ما قوی‌تر

باشد، طبعاً دامنه امکانات عمل وسیع تر خواهد شد. برعکس، هر قدر منابع فنی ما کمتر باشد، مقدرات و امکانات محدودتر خواهد بود. نارسایی‌هایی که در دانش و تکنولوژی آموزش و پرورش وجود دارد، به انضمام تأخیر و تعلل سیستم آموزش و پرورش در استفاده از منابع و ذخایر علمی و فنی تربیتی موجود، یکی از موانع رشد و توسعه و بهبود آموزش و پرورش به‌شمار می‌رود.

● ساخت و نظام آموزش و پرورش

ساخت و نظام آموزش و پرورش می‌تواند طوری باشد که برای همه راه‌گشای تحصیل باشد و رشد و توسعه آموزش و پرورش را آسان سازد؛ یا برعکس، با وضع قوانین و مقررات دست و پا گیر، ایجاد تشکیلات متحجر، و تعبیه انواع سدهای مقرراتی و تشکیلاتی و تحصیلی، مسیر گسترش و بهبود تعلیم و تربیت را با موانع گوناگون پر کند.

۲. منابع و موانع برون‌زا

منابع و موانع برون‌زا در آموزش و پرورش، مربوط به محیط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی است که سیستم آموزش و پرورش را در بر گرفته و احاطه کرده است.

● فلسفه مسلط اجتماعی

فلسفه آموزش و پرورش بازتابی است که از فلسفه مسلط اجتماعی - فرهنگی. چون سیاست‌گذاری و تعیین خط‌مشی سیستم آموزش و پرورش کشور تابع فلسفه‌آن است و فلسفه آموزش و پرورش از فلسفه عمومی اجتماعی - فرهنگی کشور سر رشته می‌گیرد، بنابراین، فلسفه اجتماعی - فرهنگی عامل اصلی تعیین خط‌مشی سیستم آموزش و پرورش می‌باشد. باید دید فلسفه مسلط اجتماع چه رسالتی برای آموزش و پرورش قائل است و از آن چه

انتظار دارد؛ مثلاً، آیا انتظار دارد که آموزش و پرورش مهد تحول و نوسازی باشد یا لنگر ثبات؟ آیا انتظار دارد که آموزش و پرورش آینده‌نگر باشد، آینده‌ساز باشد، یا آینده‌گزین؟

● سطح تولید و سرمایه‌گذاری

سطح رفاه و عدالت اجتماعی و محدود بودن منابع مادی و انسانی کشور از جمله مهم‌ترین عوامل بازدارنده رشد و توسعه آموزش و پرورش هستند. امکانات مادی و منابع انسانی بستگی به سطح تولید و سرمایه‌گذاری و هم‌چنین سطح رفاه و عدالت اجتماعی دارد. به بیان دیگر، میزان منابعی که به آموزش و پرورش تخصیص داده می‌شود، بستگی دارد به اینکه درآمد ملی چه مقدار است، چه میزانی برای مصرف و چه نسبتی برای سرمایه‌گذاری اختصاص داده می‌شود، سهم بخش‌های دیگر از قبیل صنعت، کشاورزی، نیرو، تجارت، حمل و نقل، ساختمان و مسکن و بهداشت و غیره چیست، و بر اساس چه ضوابطی تعیین می‌شود، و آموزش و پرورش در مقایسه با آنها از چه نفوذ و قدرتی برخوردار است؟

● محیط آموزش و پرورش اجتماع

نهادهای و مؤسسات و گروه‌های مختلفی در آموزش و پرورش انسان دخالت دارند. مدرسه یکی از این نهادها است. نهادها و مؤسسات دیگر که مستقیماً در شکل دادن به شخصیت، طرز فکر و دانش و معرفت و ارزش‌های انسان تأثیری می‌گذارند و چه بسا تأثیر آنها بیش از مدرسه است، بی‌شمار هستند. از آن جمله هستند گروه‌های خویشاوندی، گروه‌های مذهبی، همسایگی، فرهنگی، و دیگر گروه‌های داوطلب، گروه‌های شغلی و صنفی، و رسانه‌های گروهی. بدیهی است محیط فرهنگی کشور نیز توأم با عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در آموزش و پرورش انسان به‌طور مستقیم و غیر مستقیم تأثیر دارد

بسیاری از دانشمندان روان‌شناسی و علوم تربیتی معتقد هستند که رشد فکری کودک محصول برخورد ذهنی او با محیط است. هر قدر محیطی که کودک در آن پرورش می‌یابد از نظر فرهنگی و تحریک کنجکاوی و خلاقیت ذهنی غنی‌تر باشد، کودک باهوش‌تر بار خواهد آمد، و هر قدر محیط پرورش او را از نظر تحریک و تحرک فکری فقیرتر باشد، قوای دماغی او کمتر مجال رشد پیدا خواهد کرد.

- عوامل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی بین‌المللی

عوامل فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، و به‌عبارت کلی‌تر، محیط بین‌المللی از طریق نفوذی که در محیط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ملی می‌کنند، خواه ناخواه، در آموزش و پرورش انسان مؤثر هستند. کمک‌ها و مناسبات اقتصادی و فرهنگی و فنی کشورهای خارجی از جمله عواملی است که مستقیماً در آموزش و پرورش کشور سایه می‌اندازد و تأثیر می‌گذارد.

۳. منابع و موانع مختلط درون‌زا و برون‌زا

برخی از اشکالات و محدودیت‌های آموزش و پرورش ناشی از تأثیرات مختلط عوام درون‌زا و برون‌زا است.

- توزیع آموزش و پرورش

توزیع آموزش و پرورش با میزان دستیابی افراد طبقات مختلف اجتماع به آموزش و پرورش سنجیده می‌شود. آیا بچه‌های شهر و روستا برای بهره‌مند شدن از آموزش و پرورش امکانات آنها برابر است؟ دخترها و پسرها چطور؟ بچه‌های پائین شهر و بالای شهر چطور؟...

توزیع آموزش و پرورش به عوامل مختلفی بستگی دارد چون، سیاست و خط مشی اجتماعی، موقعیت جغرافیایی، شرایط خانوادگی، درآمد، محل سکونت، و ... نابرابری‌هایی که در توزیع

آموزش و پرورش وجود دارد، یکی از عوامل مؤثری است که موجب شهرگرایی و فرار مغزها از روستاها و شهرهای کوچک و نقاط کم‌تحرک فرهنگی به شهرهای بزرگ می‌گردد، و به نوبه خود، مسائل بی‌شماری را به دنبال می‌آورد. اگر سیاست و خط‌مشی اجتماعی این باشد که توزیع آموزش و پرورش را عادلانه سازد، نابرابری فرصت‌های آموزشی را از میان بردارد، و راه را برای کاهش فواصل و شکاف‌های طبقات اجتماعی هموار سازد، تدابیری خواهد اندیشید که موانع و مشکلات دستیابی به آموزش و پرورش را در همه سطوح برای همه طالبان آن از میان بردارد.

موانع و مشکلات دستیابی به آموزش و پرورش بسیار هستند. بعضی از آنها، چون دوری مراکز آموزش عالی و مدارس خوب از محل سکونت و زندگی در روستاها و شهرهای کوچک، فقر و مضیقه‌های مالی، و مقررات نام‌نویسی و ورود به دوره‌های بالاتر تحصیلی موانع آشکار به‌شمار می‌آیند. برخی دیگر چون عقب‌ماندگی‌های گروه‌های زیادی از اطفال و جوانان ناشی از نابرخورداری که قبلاً توضیح داده شد، سدهای مقرراتی نظام آموزشی، و چگونگی روش تعلیم و تدریس و آزمون‌ها، ظاهراً به چشم نمی‌آیند و پنهان می‌باشند، ولی نفوذ آنها دست کمی از اثر عوامل آشکار ندارد. عوامل مزبور، چه آشکار و چه نهان، بر روی هم، مشکل بزرگی در راه توسعه آموزش و پرورش و توزیع عادلانه آن به نظر می‌رسند. ولی بیشتر این موانع را می‌توان از میان برداشت. رایگان شدن تحصیلات، از طلایه‌های نویدبخش در این جهت به‌شمار می‌آید.

• منابع انسانی آموزش و پرورش

کمبود منابع انسانی از قبیل معلم، مدیر، مشاور و راهنما، محقق و پژوهش‌گر، و تکنولوژیست، در همه سطوح آموزش و پرورش (کودکستان، دبستان، دبیرستان و دانشگاه)، چه از نظر

کیفیت و چه از نظر کمیت، یکی از اساسی‌ترین تنگناهای رشد و توسعه و بهبود آموزش و پرورش می‌باشد. بسیاری از محدودیت‌ها و عوامل بازدارنده رشد و توسعه را شاید بتوان در مدت نسبتاً کوتاهی برطرف کرد، ولی پرورش نیروی انسانی و جبران کمبود آن نیازمند به زمان است. این موضوع اهمیت خاصی به برنامه‌ریزی آموزش و پرورش می‌دهد؛ زیرا منابع انسانی یکی از ارکان و عوامل اصلی مورد نیاز تمام بخش‌ها در توسعه ملی می‌باشد. چه بسا در بسیاری از کشورها، کمبود منابع انسانی مهم‌ترین عامل بازدارنده رشد و توسعه می‌باشد. چون پرورش منابع انسانی به زمان طولانی نیازمند است، آموزش و پرورش باید به آینده‌نگری دقیق برنامه‌های مورد نیاز را پیشاپیش برقرار کند تا نیروی انسانی لازم به موقع آماده باشد. در این میان، تأمین منابع انسانی مورد نیاز آموزش و پرورش اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. اگر آموزش و پرورش را به قلب فعالیت‌های کشور تشبیه کنیم، منابع انسانی مورد نیاز آموزش و پرورش به منزله رگ‌هایی خواهند بود که خون را به عضله قلب می‌رسانند، و کوچک‌ترین خللی در کار آنها اثر نامطلوبی در کار قلب به وجود می‌آورد، و طبعاً تمام فعالیت‌های حیاتی بدن را مختل می‌سازد.

• ضریب کوشش آموزش و پرورش

برای آنکه بتوانیم میزان نسبی کوشش و فعالیت‌هایی که در زمینه آموزش و پرورش در کشورهای مختلف انجام می‌شود بسنجیم و با یکدیگر مقایسه کنیم، به ملاک‌ها و معیارهای سنجش نیازمند هستیم. ضریب کوشش یکی از ملاک‌هایی است که بدین منظور انتخاب شده است و به کار می‌رود. ضریب کوشش آموزش و پرورش معمولاً به دو طریق سهم اعتبارات آموزش و پرورش نسبت به درآمد ناخالص ملی و سهم اعتبارات آموزش و پرورش در بودجه محاسبه و برآورد می‌شود:

در محاسبه ضریب کوشش، معمولاً اعتبارات دولتی که به وزارت آموزش و پرورش و فعالیت های آموزش و پرورش رسمی تخصیص یافته است، ملاک سنجش قرار می گیرد. ولی در بسیاری از کشورها علاوه بر وزارت آموزش و پرورش، سازمان های دیگر دولتی و هم چنین بخش خصوصی سهم بزرگی در فعالیت های آموزش و تأمین منابع مادی آن دارند. بدین جهت، سهم اعتبارات آموزش و پرورش در بودجه معرف مجموع اعتباراتی که در کشور به مصرف آموزش و پرورش می رسد، نیست.

افزایش نسبی هزینه آموزش و پرورش در مقایسه با افزایش تعداد شاگردان تعبیرها و دلالت های مختلفی برای کیفیت آموزش و پرورش، بهره وری آموزش و پرورش، واحد هزینه آموزش و پرورش، تکنولوژی آموزش و پرورش، نوآوری آموزش و پرورش، و بودجه آموزش و پرورش دارد، که هر یک به نوبه خود، انعکاس خاصی در برنامه ریزی می تواند داشته باشد.

پ) تعیین راهبردها و اولویت ها

راهبردهای آموزش و پرورش رابط بین سیاستگزاری و طرح ریزی آموزش و پرورش هستند و آنها را به یکدیگر پیوند می دهند و بدین جهت اهمیت بسزایی دارند .

فور و همکارانش برای شکل دادن به آموزش و پرورش سه مرحله به شرح ذیل تشخیص داده اند :

سیاستگزاری : سیاستگزاری متضمن تعیین رسالت و وظایف و خط مشی آموزشی کشور است . در این مرحله ابعاد اصلی آموزش و پرورش کشور ترسیم می شود .

تعیین راهبرد (استراتژی) : رابط بین مرحله سیاستگزاری و برنامه ریزی است . در این مرحله ، از یک طرف رسالت و هدف های کلی آموزش و پرورش که در مرحله سیاستگزاری تعیین شده

است به صورت هدف های مشخص تر یعنی فعالیت ها مشخص می شود ، منابعی که ممکن است در اختیار قرار بگیرد روشن می گردد ، و ملاک ها و ضوابط تصمیم گیری و دامنه امکانات تعیین می شود .

برنامه ریزی : سیروس منظور نیز در برنامه ریزی آموزش و پرورش پنج مرحله تشخیص می دهد :

۱. مرحله تدوین فعالیتها ، شامل تعیین و تعریف هدفهای آموزش و پرورش است .
 ۲. مرحله تعیین استراتژی ، این مرحله مستلزم شناخت مشکلات و امکانات ، تعیین اولویتها ، و ایجاد تعادل بین نظام آموزشی و نیازمندها و امکانات ملی است .
 ۳. مرحله تدوین برنامه ، این مرحله جنبه فنی برنامه ریزی است . در این مرحله هدفها به صورت برنامه های مشخص و دقیق عرضه می گردد و ماهیت کمی به خود می گیرند .
- به هر صورت تعیین راهبردها در شکل دادن به آموزش و پرورش هر کشور نقش حساسی دارد .
- تعیین راهبردهای آموزش و پرورش شامل فعالیت هایی است از قبیل :

- شناخت تنگناها .
- شناخت امکانات و نیازها .
- تعیین ضوابط و ملاکهای لازم برای تصمیم گیری و برقراری اولویتها .
- تعیین تمرکز ، عدم تمرکز و زمینه تشریک مساعی گروه های مختلف در فعالیت های برنامه ریزی .
- ایجاد تعادل و هماهنگی برونمی بین نظام آموزش و پرورش و نیازها و امکانات ملی و بازار کار و بررسی تاثیر تحولات و تغییرات یکی در دیگری .

• ایجاد تعادل و هماهنگی درونی بین سطح برنامه ریزی و فعالیت‌های مختلف آموزش و پرورش و بررسی تحولاتی که انتخاب هر یک از شقوق هدفها و اولویتها در سایر قسمت‌ها و فعالیت‌های آموزش و پرورش ایجاد می کند .

• بررسی عواقب شقوق مختلف توزیع آموزش و پرورش ، و مقایسه مزایا و معایب آنها و ایجاد تعادل لازم بین نیاز بخش های مختلف براساس این بررسی ها .

۴. مرحله اجرا .

۵. مرحله ارزشیابی و پژوهش .

سطوح برنامه ریزی آموزشی :

عده ای از مولفان سطوح برنامه ریزی را شامل : کلان ، میانه ، خرد و موسسه ای می دانند و برخی دیگر سطح فراکلان را به آنها اضافه می کنند. جری کافمن و جری هرمن در کتاب برنامه ریزی استراتژیک سه سطح خرد ، کلان و فراسوی کلان را برای برنامه ریزی پیشنهاد می کنند برنامه ریزی در سطح کلان شامل سازمان آموزشی ، مدرسه و یا نظام آموزشی است ؛ برنامه ریزی در سطح خرد شامل فرد یا گروه های کوچک مانند مدیریت مدرسه یا مربیان می باشد و برنامه ریزی در سطح فراسوی کلان شامل برنامه های بلند مدت یا میان مدت در سطح سازمان های بین المللی و منطقه ای است . دیویس سطوح برنامه ریزی را به شرح ذیل طبقه بندی می کند :

الف) برنامه ریزی نظام های آموزشی در سطح ملی، ایالتی و استانی

ب) برنامه ریزی موسسه ای در مقیاسی وسیع ، در سطح واحد های مربوط به مجتمع های آموزشی

ج) برنامه ریزی طرح یا پروژه

درباره ی سطوح برنامه ریزی بین صاحب نظران اختلاف نظر وجود دارد یکی از دلایل عدم توافق این است که تعریف نهادهای آموزشی در دوره های تحصیل و در کشورهای مختلف یکسان نیست و گستره ی فعالیت های این نهادها با هم متفاوت است.

بنابراین صرف نظر از طبقه بندی ها و تقسیم بندی های اشاره شده سطوح برنامه ریزی آموزشی را بطور کلی به شکل فراکلان ، کلان ، خرد ، موسسه ای و برنامه ریزی برای اصلاح و نوآوری مورد بررسی قرار می دهیم.

سطح فراکلان : برنامه های بلند مدت و میان مدت که توسط سازمان های بین المللی مانند یونسکو و سازمان های منطقه ای مانند ایسکو طراحی و تهیه می شود. بیشتر کشورهای جهان در زمینه برخی از مسائل دارای اهداف مشترکی هستند جهت رسیدن به اهداف مشترک و تحقق این اهداف نیاز به همفکری و همکاری و برنامه ریزی در سطح سازمانهای بین المللی می باشد به عنوان مثال ؛ طرح کراچی در سطح منطقه ی آسیا یکی از برنامه ریزی های آموزشی در سطح فراکلان است بر اساس این طرح که از سوی سازمان یونسکو تهیه گردید کشورهای منطقه باید طی ۲۰ سال آیند از سال ۱۹۶۰ - ۱۹۸۰ آموزش ابتدایی را همگانی کنند به گونه ای که همه ی کودکان واجب التعلیم تحت پوشش قرار بگیرند.

سطح کلان : برنامه ریزی هایی که برای اجرا در سطح ملی یا کشوری طراحی و تهیه می گردد. برنامه ریزی آموزش و پرورش و آموزش عالی کشور در سطح کلان در قالب برنامه ریزی توسعه ی اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی انجام می گیرد بر این اساس طراحان برنامه های توسعه پیشاپیش رهنمود ها و الگوهایی را در اختیار تهیه کنندگان برنامه ها در بخش های مختلف اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی کشور از جمله بخش آموزش و پرورش و آموزش عالی قرار می دهند.

سطح خرد : برنامه ریزی در حیطه فعالیت آموزش و پرورش یک منطقه و چند بخش یا روستا
سطح موسسه ای : واحد برنامه ریزی یک دانشگاه یا دانشکده و یا یک دبیرستان و مجتمع
آموزشی

سطح برنامه ریزی برای اصلاح و نوآوری : که قلمرو آن کل نظام آموزشی یا جنبه هایی از آن را
شامل می شود .

انواع برنامه ریزی آموزشی :

برنامه ریزی آموزشی را با توجه نوع برنامه از دیدگاه زمان عمل، حیطه و دامنه عمل، و چگونگی
عمل به چند گونه می توان تقسیم کرد.

برنامه ریزی از نظر زمان عمل

- برنامه کوتاه مدت (از یک تا پنج سال).
- برنامه میان مدت (بین پنج تا ده سال).
- برنامه بلند مدت (از بیش از ده سال تا حدود بیست سال).

برنامه ریزی از نظر حیطه و دامنه عمل

- برنامه های خرد : یعنی برنامه ریزی در سطح ملی و موسسه ای. مانند برنامه ریزی دانشگاه
تهران.
- برنامه های ملی : در تمام کشور اجرا می شود و ممکن است جامع باشد مانند: برنامه پنج ساله
آموزش و پرورش در کشور. یا متوجه بخش ویژه ای باشد مانند: برنامه تربیت معلم در کشور
- برنامه های محلی : برای یک استان، شهرستان، یا تقسیمات دیگر منطقه ای و کشوری تهیه و
تنظیم می شود. برنامه های محلی می تواند از نوع جامع باشد. مانند برنامه آموزش و پرورش
همدان؛ یا از نوع ویژه باشد. مانند تعلیمات فنی و حرفه ای یزد.

- برنامه های کلان :برنامه ای جامع که در تمام کشور باید انجام شود.مانند برنامه ریزی آموزش و پرورش ایران در بیست سال آینده.
- برنامه های جامع: برنامه ای که تمام عوامل و عناصر و اجزای یک واحد آموزش و پرورش را در بر می گیرد.برنامه های جامع می تواند در سطح ملی باشد ،مانند برنامه یزی آموزش و پرورش ابتدایی کشور؛یا در سطح ملی یا موسسه ای باشد،مانند برنامه جامع دانشگاه تربیت معلم.
- برنامه ریزی ویژه : برنامه ای که بخش های ویژه ای از آموزش و پرورش و فعالیت های آن را در بر می گیرد، مانند: برنامه ریزی تعلیمات ابتدای- برنامه ریزی تعلیمات دانشگاهی- برنامه ریزی سواد آموزی.

تقی پور ظهیر (۱۳۸۵) ، انواع برنامه ریزی از نظر دامنه عمل را شامل :

- برنامه ریزی جامع وکلی : همه هدفها و حیطه های مربوط به سطوح مختلف آموزش و پرورش را در بر می گیرد
- برنامه ریزی در سطح ملی : مانند برنامه ریزی برای آموزش و پرورش ابتدایی در سطح کشور یا متوسطه
- برنامه ریزی در سطح محلی یا ناحیه ایی : مثال برنامه ریزی درسی برای سطوح مختلف آموزش و پرورش خراسان یا برنامه ریزی برای تعلیمات حرفه و فن اراک
- برنامه ریزی برای هدفهای ویژه یا حیطه های معین: مانند برنامه ریزی درسی تربیت معلم دانشگاهی ، تربیت معلم دبیرستان ، ابتدایی، کودکستانی،سوادآموزی،آموزش زنان، آموزش روستایی وعشایری، آموزش کارکنان وزارت جهاد کشاورزی و.....

برنامه ریزی از نظر از نظر چگونگی عمل را نیز به شرح ذیل تقسیم بندی نموده است :

- متمرکز - الزامی : این نوع برنامه ریزی در کشورهای سوسیالیستی معمول است. در این کشورها به اقتضای رژیم و ساخت سیاسی و اقتصادی آنها، برنامه ریزی جنبه نهاد پیدا کرده و کانون همه فعالیت های اجتماعی شده است. یعنی برنامه ریزی وارد ساخت و نهاد سیاسی این کشورهاست و تمام دستگاههای اجرایی ملزم به پیاده کردن و اجرای آن هستند.

- ارشادی - ترغیبی: در کشور های غیر سوسیالیستی متداول است. در این کشورها، به اقتضای نظام سیاسی و اقتصادی آنها، برنامه ریزی جنبه نهاد ندارد. مثلا ممکن است مالکیت بعضی از ابزار تولید و منابع در اختیار دولت باشد و ملی اعلام گردد و برخی دیگر در اختیار بخش خصوصی بماند. بنابراین برنامه ریزی در اموری که در اختیار دولت نیست، نمی تواند الزامی باشد و حالت ارشاد و ترغیب به خود می گیرد.

- برنامه ریزی مشکل گشایی - موردی: این نوع برنامه ریزی جامعیت ندارد، دور مدت نیست و تمام نظام آموزش و پرورش را در ارتباط با بخشهای دیگر توسعه ملی در مد نظر ندارد؛ برای رفع مشکلات به صورت موردی و طرحهای کم و بیش مستقل اجرا می شود. بیشتر در کشورهای جهان سوم متداول است . هدفش آن است که نوآوریها و اصلاحاتی را در خرده سیستم های آموزش و پرورش به بار بیاورد و جنبه گره گشایی و رفع موانع را بر عهده دارد. مثلا اگر احساس شود بی سوادی مانع پیشرفت برنامه های توسعه اجتماعی شده ، طرح هایی برای درمان آن تنظیم می شود.

رئیس دانا و وفایی (۱۳۸۸) نیز انواع برنامه ریزی آموزشی به شرح ذیل معرفی نموده است :

الف) برنامه ریزی آموزشی از نظر توجه به کمیت و کیفیت: آگاروال و تاکور(۲۰۰۳) از نظر توجه

به کمیت ها و کیفیت های آموزشی، برنامه ریزی را در دو طبقه کلان و خرد جای داده اند:

- برنامه ریزی در سطح کلان: برنامه ریزی کلان با پدیده های بزرگ که دارای حجم و وسعت زیاد است و با میانگین های بزرگ سروکار دارد، مانند درآمد ملی، درآمد سرانه، سطح اشتغال و غیره. این برنامه ریزی در سطح وسیع با مسائل پایه ای و اساسی سروکار دارد. نقطه توجه اساسی در برنامه ریزی کلان کمیت هاست.

- برنامه ریزی در سطح خرد: برنامه ریزی خرد با سرمایه گذاری و مصرف خرد در حد موسسه و نهاد، مدرسه و کلاس درس سروکار دارد. در این نوع برنامه ریزی نقطه توجه اساسی تامین کیفیت است.

ب) برنامه ریزی آموزشی از نظر نوع مسئولیت و سبک کار و نوع مدیریت:

از نظر مسئولیت و چگونگی انجام کار برنامه ریزی را می توان در سه سطح بشرح ذیل طبقه بندی کرد:

- برنامه ریزی متمرکز: قدرت مرکزی در تهیه و تدوین برنامه ها اعمال می شود و اجرای سراسری برنامه ها مورد نظر حکومت مرکزی است.

- برنامه ریزی نیمه متمرکز: چارچوب برنامه ها از نظر هدف ها و اصول ساختار توسط حکومت مرکزی تعیین می شود. اما محتوا، انتخاب روش ها و راهبرد ها بر عهده مسئولان منطقه ای یا محلی است.

- برنامه ریزی غیر متمرکز: مسئولیت تهیه برنامه ها و چگونگی اجرای آنها بر عهده مقامات منطقه ای یا محلی گذاشته می شود. در این نوع از برنامه ریزی نقش مردم در تعیین هدف ها ، روش ها و راهبرد ها بیشتر است.

پ) برنامه ریزی از نظر مقیاس: از نظر مقیاس و گستره برنامه ریزی آموزشی سه طبقه ممتاز را می توان بر شمرد:

- برنامه ریزی ملی: که توسط دولت و حکومت مرکزی در مسیر توسعه اقتصادی- اجتماعی کشورها تهیه و تدوین می شود.
 - برنامه ریزی منطقه ای: بیشتر در راستای کشف و بهره گیری از توانمندی ها و ظرفیت های منطقه ای است. ۳- برنامه ریزی محلی: در مقیاس خرد اطلاعاتی را از گذشته و حال بدست می دهد که برای پیش بینی برنامه های میان مدت و بلند مدت بکار می آیند.
- ت) برنامه ریزی از نظر تصمیم گیری و نوع تفکر: برنامه ریزی از نقطه نظر نوع تفکر حاکم بر تصمیم گیری را می توان به سه نوع تقسیم می شود .
- برنامه ریزی عملیاتی یا سنتی: شامل اقدامات مشخصی که به تحقق هدف های مشخصی منجر می شود. این برنامه ریزی بیشتر در قالب برنامه های کوتاه مدت، بخشی و خرد می گنجد.
 - برنامه ریزی تاکتیکی: شامل تعیین هدف های میان کار و انتخاب ابزار های لازم برای تحقق آنها در میان مدت می شود.
 - برنامه ریزی راهبردی: شامل چارچوب چگونگی اجرای کلیه برنامه ها در تمام سطوح است. این برنامه ریزی به دنبال تغییر است این نوع برنامه ریزی در واقع « برنامه ریزی فراکنشی « بوده جایگزینی برای « برنامه ریزی واکنشی» می باشد.
- ث) برنامه ریزی از نظر رویکرد به مسئله:
- برنامه ریزی از نظر رویکرد به مسئله به دو طبقه واکنشی یا (درون به برون) و فراکنشی یا (برون به درون) تقسیم بندی می شود .
- واکنشی یا (درون به برون): در برنامه ریزی واکنشی برنامه ریزان بر مبنای وضعیت حال و داده های موجود تصمیم می گیرند. در این نوع برنامه ریزی تغییر و تحول اساسی و بنیادی

جایگاهی ندارد. بنابراین راه حل برنامه ریزان در جهت حل مسائل روز بیشتر به صورت ترمیم و رفع کاستی های موجود است. برنامه ریزی واکنشی از نظر رویکرد فکری، هدف گراست و اخذ نتایج در کوتاه مدت را پی گیری می کند.

- فراکنشی یا (برون به درون) : در برنامه ریزی فراکنشی برنامه ریزان از دیدگاه بیرونی و با هدف بهبود جامعه ، هم در زمان حال و آینده به مسائل می نگرند و همه عوامل تاثیر گذار در بهبودی مورد نظر را شناسایی کرده و در برنامه ریزی می گنجانند.

برنامه ریزی آموزشی از حیث هدف نیز به دو دسته تقسیم می شود که به اختصار مورد اشاره قرار می گیرد

- برنامه ریزی مبتنی بر تقاضای اجتماعی: بر اساس این روش برنامه ریزی آموزشی به تقاضای اجتماعی و درخواست مردم برای توسعه آموزش و پرورش توجه می کنند. در واقع هدف در این نوع برنامه ریزی، حداکثر آموزش برای حداکثر مردم جامعه است.

- برنامه ریزی مبتنی بر نیروی کار: همکاری کلی و اصلی در این روش، تامین نیروی انسانی در سطوح مختلف، برای بخش های مهم اقتصادی ، صنعتی و ... است که در برنامه توسعه پیش بینی می شود . این روش در خدمت برنامه های توسعه است. و در این روش برنامه ریزی باید مطابق با برنامه توسعه باشد.

رویکردهای برنامه ریزی آموزشی

برنامه ریزی آموزشی با مسائل و مشکلاتی پیرامون چگونگی استفاده بهینه از منابع محدود تخصیص یافته به آموزش و پرورش با توجه به اولویت های در نظر گرفته شده برای مراحل یا بخش های مختلف آن و نیز نیازهای اقتصادی سر و کار دارد. در این زمینه، سه رویکرد مشهور

در برنامه ریزی آموزشی وجود دارد که شامل رویکرد برنامه‌ریزی نیروی انسانی، رویکرد هزینه - فایده، رویکرد تقاضای اجتماعی می باشد.

الف) رویکرد برنامه‌ریزی نیروی انسانی:

تمرکز این روش بر پیش بینی نیروی انسانی مورد نیاز در بخش اقتصاد است. به عبارتی این رویکرد بر بروندهای نظام آموزشی جهت پاسخگویی به نیازهای جامعه به نیروی انسانی در آینده تاکید دارد. این رویکرد بر ۳ عنصر اصلی متمرکز است:

۱. ویژگی‌های ترکیب نیروی انسانی مورد نیاز در یک برهه زمانی خاص مثلاً ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰.

۲. ویژگی‌های نیروی انسانی موجود، مثلاً در سال ۱۳۹۰.

۳. ویژگی‌های تلفیقی مراحل ۱ و ۲.

مزایای رویکرد نیروی انسانی

رویکرد نیروی انسانی می تواند به شکلی سودمند به شکاف های عمیق، عدم تعادل و ناهماهنگی‌های موجود در الگوی بروندادی آموزش و پرورش که نیاز به اصلاح دارند، بپردازد. این کار نیاز به مطالعات آماری پیشرفته ندارد.

این رویکرد رهنمودهای مفیدی در مورد مهارتها و صلاحیتهای آموزشی نیروی کار مورد نیاز در آینده به مریبان می دهد. به عبارتی، نسبت افرادی که باید حائز آموزش در سطوح ابتدایی، متوسطه و بعد از آن باشند، را مشخص می کند.

عدم اشتغال و یا اشتغال ناقص که ممکن است در نتیجه برخی تاکیدات بیش از حد بر رویکرد نیروی انسانی حاصل شده باشد، می‌تواند تبدیل به یک چالش حرکت آفرین به سمت شکل صحیحی از آموزش و پرورش رشد محور، و در نتیجه ایجاد شغل شخصی و کارآفرینی گردد.

نقاط ضعف رویکرد نیروی انسانی

- این رویکرد به برنامه ریزان آموزشی رهنمودهای محدودی ارائه می‌کند. به عبارتی آنچه را که می‌توان به شکل واقعی در هر یک از سطوح آموزش و پرورش، به عنوان مثال، آموزش ابتدایی، متوسطه و غیره به دست آورد، بیان نمی‌دارد.
- این رویکرد در مورد آموزش ابتدایی چیزی نمی‌گوید، چرا که این سطح را مرتبط با اشتغال نمی‌داند. از این رو، توجه خود را تنها به جنبه‌هایی از آموزش و پرورش که با توسعه نیروی انسانی در جامعه در ارتباط است، متمرکز نموده است.
- طبقه بندی شغلی و نسبت‌های نیروی انسانی مانند نسبت مطلوب مهندسين به تکنسین‌ها، پزشکان به پرستاران و غیره و نیز شرایط و صلاحیت‌های آموزشی مفروض برای هر طبقه شغلی، ایده‌های عاریت گرفته شده از کشورهای صنعتی و اقتصادی می‌باشند. این ایده‌ها متناسب با واقعیت‌های کشورهای کمتر توسعه یافته مثلاً در آفریقا نیستند.
- امکان پیش بینی درست نیروی انسانی کافی و مناسب مورد نیاز برای آینده‌ای دور، به دلیل بسیاری از ابهامات و پیچیدگی‌های اقتصادی، تکنولوژیکی و غیره ممکن نیست.

ب) رویکرد تحلیل هزینه - فایده آموزش و پرورش

رویکرد هزینه - فایده در هر یک از سطوح آموزش و پرورش به سرمایه گذاری بر روی انسان با این هدف که بازده‌ها به رشد و توسعه کل اقتصاد کمک خواهد کرد، می‌نگرد.

این رویکرد فرض می‌نماید که دستمزد/ حقوق پرداختی به کارگران منعکس کننده تفاوت در میزان بهره‌وری آنهاست و تغییرات بهره وری نیز، حاصل نوع و میزان آموزش و پرورش دریافتی افراد است. این رویکرد به شکلی رابطه موجود بین آموزش و پرورش و میزان درآمد را بیان می‌دارد.

مزایای رویکرد تحلیل هزینه - فایده

- با نگاه به دوره ساختار درآمدهای فرد تحصیل کرده، سنجش و یا تعیین میزان افزایش بهره‌وری فرد تحصیل کرده ممکن می‌گردد.
- تجزیه و تحلیل می‌تواند دستورالعملهایی را بیان و یا پیشنهاد نماید که به کمک آنها نظام آموزش و پرورش یک جامعه برای حداکثر رساندن ظرفیت درآمد محصولات آنها توسعه و گسترش یابد.
- این رویکرد رابطه بین هزینه کسب آموزش بیشتر و افزایش در پرداخت را که حاصل آموزش اضافی است، نشان می‌دهد.

محدودیت های رویکرد تحلیل هزینه - فایده

- در برخی کشورها، از جمله کشورهای آفریقایی، این فرض را که حقوق منعکس کننده بهره‌وری است، یک فرض غلط می‌دانند.
- سنجش منافع ناشی از سرمایه‌گذاری بر روی آموزش و پرورش امری دشوار است.
- در کشورهای در حال توسعه، مابه‌التفاوت درآمد کارگران را نمی‌توان به راحتی به آموزش اضافی دریافتی نسبت داد، در عوض می‌توان آن را به اموری دیگر از جمله عادات، مشتریان، پیشینه خانوادگی و غیره منتسب نمود.
- حقوق کارمندان دولت بیشتر از آن که تحت تأثیر ملاحظات بهره‌وری باشد، تحت تأثیر متغیرهای اقتصادی است.

پ) رویکرد تقاضای اجتماعی: در این روش اولیای امر و مقامات آموزش و پرورش باید مدارس و امکانات مورد نیاز را برای همه دانش آموزانی که متقاضی پذیرش و واجد شرایط ورود به مدرسه هستند، فراهم نمایند. این رویکرد به آموزش و پرورش، به عنوان خدمتی همچون سایر خدمات اجتماعی مورد تقاضای مردم می‌نگرد. سیاستمداران کشورهای در حال توسعه، اغلب این رویکرد را به دلیل ماهیت جذاب آن، برای استفاده مناسب می‌دانند.

مزایای رویکرد تقاضای اجتماعی

- این رویکرد به برنامه ریزان تعداد تقریبی مکان‌هایی که در آنها امکانات آموزشی فراهم می‌شود را ارائه می‌دهد.

- رویکرد مذکور ابزار سیاسی مناسبی برای برآوردن خواسته‌های عموم مردم است.
- جایی که منابع واقعاً محدود بوده، و ما به دنبال آن هستیم تا بیشترین آموزش‌ها را به بیشترین تعداد افراد ارائه نماییم، چنین تکنیک‌های برنامه ریزی بهترین هستند.

محدودیت‌های رویکرد تقاضای اجتماعی

- این رویکرد هیچ کنترلی بر عواملی مانند نرخ (قیمت) آموزش و پرورش ندارد.
- رویکرد فوق هیچ کنترلی بر ظرفیت جذب اقتصادی پرسنل آموزش دیده ندارد.
- رویکرد تقاضای اجتماعی، رهنمودهای مورد نیاز راجع به بهترین روش پاسخگویی به نیازهای شناسایی شده را ارائه نمی‌دهد.

مراحل برنامه ریزی :

الف) شناخت وضع موجود : برنامه ریزان قبل از هر چیز باید امکانات، توانایی‌ها و محدودیت‌ها را بشناسند و با تکیه بر اطلاعات به دست آمده، تصمیمات معقول و منطقی اتخاذ نمایند. اگر این

مرحله به خوبی انجام نگیرد، برنامه ریزان نمی توانند برای حرکت به سوی آینده ای بهتر با اطمینان و اعتماد بیشتر گام بردارند.

ب) تعیین هدف : پس از بررسی وضع موجود، انتظارات و خواسته هایی برای برنامه ریزان طرح می شود. این انتظارات وقتی به صورت واضح و با توجه به امکانات و محدودیت ها بیان شود، اهداف مورد نظر را تشکیل می دهد. اهداف تعیین شده به کلیه فعالیت ها و تصمیم گیری های بعدی جهت می دهد و بین اقدامات گوناگون هماهنگی به وجود می آورد.

ج) پیش بینی روش ها و وسایل : با اینکه مشخص کردن اهداف اهمیت زیادی دارد اگر برای تحقق آنها روش ها و وسایل مناسب در نظر گرفته نشود، بهترین اهداف روی کاغذ می ماند و نتیجه نمی دهد. باید برنامه ریزان تعیین کنند که با چه روشهایی قصد دارند به اهداف مورد نظر برسند و در به کارگیری روش ها به چه وسایلی نیاز دارند.

د) اجرای آزمایشی : پس از تعیین هدف ها، روش ها و وسایل، برنامه تهیه شده به صورت آزمایشی در چند نمونه محدود اجرا میشود. این کار به قصد اعتباربخشی به برنامه و کسب اطمینان از وسایل مختلف آن انجام می گیرد، ضمن اینکه می توان به اتکای آن اصلاحات لازم را در برنامه و مراحل مختلف آن انجام داد.

ه) اجرا: در این مرحله برنامه به طور کامل به اجرا در می آید. تهیه لوازم مورد نیاز و ایجاد شرایط اجرایی مناسب از ضروریات اجرای برنامه است. با اینکه در مرحله آزمایشی اقداماتی به عمل می آید، اجرای کامل یک برنامه شرایط متناسب خود را می طلبد.

و) ارزشیابی: بخشی از نقاط قوت و ضعف برنامه ضمن اجرای آزمایشی آن خود را نشان می دهد ولی ارزش یابی، تلاش منظم و مستمری است برای بررسی موفقیت ها کاستی ها و مشکلات در

دستیابی به اهداف مورد انتظار. این کار را می توان یا همزمان با اجرای مراحل متعدد برنامه یا در پایان کار انجام داد، البته تلفیق این دو مرحله بهتر است .

مراحل برنامه ریزی آموزشی در سطح کلان (از دیدگاه آرتور):

مرحله ی اول تبیین وضع موجود نظام آموزشی (گردآوری اطلاعات همراه با تجزیه و تحلیل داده ها):

در تبیین وضع موجود برای یک نظام آموزشی توجه به اطلاعات زیر ضروری است. برای اینکه برنامه ریزان تصویر روشنی از وضع موجود داشته باشند در وهله اول باید داده ها و اطلاعات لازم درباره نظام آموزشی داشته باشند سپس با بررسی عملکرد گذشته و تحلیل مشکلات و تنگناها نقاط قوت و ضعف وضع موجود را تبیین نمایند.

الف (اطلاعات مربوط به درون دادهها :

در برنامه ریزی آموزشی ، دانش آموزان و معلمان و منابع مالی و امکانات جزء عوامل ورودی یا درونداد های نظام آموزشی به حساب می آیند که باید اطلاعاتی در خصوص این نوع عوامل گردآوری شود. مثال : برای اطلاعات مربوط به درون دادهها

میزان نام نویسی کودکان زیر ۶ سال در مراکز پیش دبستانی و کودکانها، نرخ نامنویسی خالص و ناخالص دانش آموزان در دوره ابتدائی به تفکیک جنس، میزان پوشش تحصیلی برای کودکان استثنائی ، چگونگی توزیع دانش آموزان در دوره متوسطه عمومی ، متوسط نسبت دانش آموز به معلم در پایه ها و سطوح مختلف تحصیلی ، متوسط سطح تحصیلات معلمان و کارمندان و کارکنان غیر آموزشی ، توزیع معلمان برحسب سن ، جنس و سابقه خدمت ، وضعیت تجهیزات آموزشی و وسایل آموزشی، نحوه توزیع ساختمانهای و فضاهای آموزشی ، وضع مراکز تربیت

معلم و آموزشهای ضمن خدمت، سهم بودجه جاری و عمرانی و تحقیقاتی آموزش و پرورش از بودجه های اختصاص یافته از سوی دولت .

ب) اطلاعات مربوط به فرایندها:

اطلاعاتی در مورد نرخ قبولی، تکرار پایه، ترک تحصیل، شیوه تدریس معلمان و کیفیت مدیریت در سطوح مختلف استفاده بهینه از تجهیزات و فضاهای آموزشی و آزمایشگاهی و سایر یافته های پژوهشی

پ) اطلاعات مربوط به برنامه های درسی :

هرچند که فرایند طراحی، تولید و اجرای برنامه های درسی در حوزه کار برنامه ریزان درسی است و به اعتباری برنامه ریزی درسی جزئی از فرایند برنامه ریزی آموزشی است لذا این دو گروه از برنامه ریزان بایستی اطلاعات دقیقی از نتایج فعالیت های همدیگر در اختیار داشته باشند. در فرایند برنامه ریزی درسی سه نوع برنامه وجود دارد :

۱. برنامه مورد انتظار: شامل محتوا، روشها و وسایلی که زمینه تحقق اهداف نظام آموزشی را فراهم می کند (مانند کتب درسی و سایر فعالیت های آموزشی)
۲. برنامه اجرا شده: آن چیزی است که معلمان از برنامه مورد انتظار برداشت می کنند و به شاگردان عرضه می کنند.
۳. برنامه کسب شده: یادگیریهایی که از طریق به اجرا در آمدن برنامه درسی برای شاگردان رخ می دهد.

بنابراین برنامه ریزان درسی باید تصویر روشنی از این سه برنامه در اختیار برنامه ریزان آموزشی قرار دهند تا آنها نیز از این اطلاعات در تجزیه و تحلیل کلی نظام آموزشی و تعیین نقاط قوت و ضعف آن استفاده نمایند. تاچه اندازه اهداف پیش بینی شده دنبال می شود، تا چه اندازه

محتوای برنامه های درسی اجرا می گردد ، تا چه اندازه معلمان از روشهای یاددهی و یادگیری در برنامه ها استفاده می کنند ، تا چه اندازه شیوه ارزشیابی از آموخته های دانش آموزان بر اساس روشهای پیش بینی شده اجرا شده است.

(ت) اطلاعات مربوط به برون دادهای آموزشی :

برونداد ها به دو دسته تقسیم می شوند:

۱. برونداد واسطه ای : آن نوع برون دادهایی است که انتظار می رود در پایان هر سال یا هر مقطع

تحصیلی به صورت دانش ، نگرش ، و مهارت در رفتار و اعمال شاگردان بروز کند.

۲. برونداد نهایی: آن نوع برون دادهایی است که انتظار تجلی و ظهور آنها در رفتار شاگردان به اتمام

تحصیلات موقوف می شود.

بنابراین گردآوری و تحلیل برون دادها به تنهایی برعهده برنامه ریزان آموزشی نیست بلکه تمامی

دستگاه ها و نهادها که فارغ التحصیلان نظام آموزشی در آنها اشتغال دارند باید همکاری لازم را

با برنامه ریزان آموزشی داشته باشند.

(ث) شناخت نقاط قوت وضعف:

پس از آنکه اطلاعات لازم در باره وضع موجود و نظام آموزشی گردآوری شد با تجزیه و تحلیل و

بررسی اطلاعات گردآوری شده تصویر روشنی از وضع موجود ترسیم می گردد سپس نقاط قوت

وضعف نظام مورد بررسی قرار می گیرد . مثل بررسی گذر تحصیلی دانش آموزان ، گذر تحصیلی

در هرپایه تحصیلی یعنی ۹۵ درصد دانش آموزان ترک تحصیل نکرده که ۹۰ درصد آنان به پایه

تحصیلی بالاتر ارتقا یابند.

نقاط قوت شامل فزایش پوشش تحصیلی در سطوح مختلف تحصیلی در جهت نیل به برابری در

آموزش به ویژه برای زنان در مناطق کمتر توسعه یافته ، وجود امکانات بالقوه برای افزایش توان

علمی فرهنگیان ، بهبود گذر تحصیلی بین سطوح مختلف و کاهش ترک تحصیلی و نقاط ضعف در عملکرد آموزشی شامل پایین بودن نرخ ماندگاری و بالا بودن نرخ اتلاف در بعضی از استانها و مناطق محروم و عدم امکان ادامه تحصیل تعداد زیادی از دختران دانش آموز ، عدم برخورداری از فضاهای آموزشی و عدم کار آمدی نظام برنامه ریزی عدم تناسب حجم کتب درسی با ظرفیت ذهنی دانش آموزان و زمان تخصیص یافته به تدریس ، کم توجهی به آموزشها و مهارت های زندگی در کتب درسی و عدم بهره گیری از فناوری های نوین آموزشی و شیوه های فعال تدریس می باشد.

مرحله ی دوم تدوین برنامه های آموزشی(با توجه به چشم اندازهای بلند مدت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی):

برای تهیه و تدوین برنامه توسعه و گذر از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب باید فعالیت خود را با استفاده از تجزیه و تحلیل اطلاعات و مطالب گردآوری شده که تصویر روشنی از عملکرد آموزش و پرورش به دست می دهد آغاز نمود.

مهم ترین مراحل تدوین یک برنامه شامل انتخاب هدف؛ انتخاب خط مشی ها ؛ تعیین اولویتها و تهیه و تدوین برنامه عمل می باشد.

الف) انتخاب اهداف :

مشخص ساختن اهداف اساسی ترین مرحله از برنامه ریزی به شمار می رود یعنی باید اهدافی را که زمینه تحقق آنها از پیش مشخص است را فراهم نمود البته نظام آموزش و پرورش هر کشور دارای اهداف غائی و آرمانی است که البته اهداف آرمانی به ظاهر جنبه کمی و مقداری ندارد و صاحب نظران به عنوان اهداف کیفی یاد می کنند. مثل متخلق کردن دانش آموزان ایرانی به اخلاق الهی بنابراین نمی توان برای تحقق این هدف دوره یا زمان خاصی در نظر گرفت بلکه در تدوین

برنامه های توسعه اعم از کوتاه مدت و میان مدت و بلند مدت همواره به تحقق چنین اهدافی عنایت داشت. اهداف به صورت کیفی و کمی قابل بررسی می باشد. بررسی کیفی شامل پرورش جنبه های فرهنگی، رفع محرومیت آموزشی در مناطق، افزایش کارائی درونی و بیرونی در سطوح آموزشی، افزایش مشارکت مردم در توسعه آموزش کلیه سطوح آموزشی و بررسی کمی نیز شامل افزایش تعداد دانش آموزان (ابتدائی - راهنمائی و متوسطه) در یک دوره مشخص از برنامه؛ افزایش تعداد دانشجویان در یک دوره مشخص از برنامه است.

اگر در حوزه برنامه ریزی وجه بیرونی آموزش مد نظر باشد در اینصورت اهداف بعد بیرونی مورد توجه قرار می گیرد مثل پیش بینی تعداد دانشجویان نیاز جامعه به نیروی انسانی. همچنین با استفاده از سیاستهای آموزشی به جای اهداف آرمانی یا کیفی و آنها را مقدم بر اهداف آموزشی دانستن، می توان اهداف آموزشی بدست آورد از قبیل همگانی کردن آموزش و پرورش به منظور فراهم آوردن امکانات آموزشی برای کودکان در گروههای مختلف؛ کاهش یا حذف نابرابریهای آموزشی بین دختران و پسران؛ اتخاذ روشهای مناسب برای انتخاب دانش آموزان با استعداد؛ حمایت از گسترش فعالیتهای سالم و منطبق بر ضوابط موسسات آموزشی غیر دولتی مانند مدارس غیر انتفاعی.

در مجموع سیاستهای آموزشی را می توان معادل اهداف کیفی و کلی تلقی کرد که قابل تبدیل به اهداف کمی می باشند. شایان ذکر است که سیاست های آموزشی عبارات کلی هستند که از تفسیر آن ها اهداف آموزشی به دست می آید.

ب) انتخاب خط مشی ها :

عبارت است از مقایسه و انتخاب یک مسیر از بین مسیر هایی که وصول به اهداف مورد نظر را میسر می کند. معمولاً خط مشی ها مسیر حرکت به سوی اهداف مورد نظر را تعیین می کند.

برای تعیین خط مشی در مسائل آموزشی بطور مثال : گسترش تقویت زبان فارسی در مناطق دوزبانه کشور باید :

تشکیل کلاسهای آمادگی یک ماهه قبل از شروع آموزش ابتدائی
تاسیس کودکستان در مناطق دوزبانه با تاکید بر آموزش زبان فارسی
(پ) تعیین اولویتها :

رسیدن به اهداف آموزش و پرورش مستلزم در اختیار داشتن امکانات و منابع گوناگون مادی و انسانی است . بنابراین هر جامعه ای هر چقدر هم غنی باشد با محدودیتهایی در زمینه امکانات خواهد داشت پس برنامه ریزان ناگزیرند جهت رسیدن به اهداف مورد نظر باید اولویت ها را در نظر بگیرند.

فرید ریک هاربی سن معتقد است برنامه ریزان آموزشی باید در شش حیطه اولویت های برنامه های آموزشی را تعیین کنند:

۱. انتخاب بین سطوح آموزشی (اهمیت نسبی هر یک از سطوح ابتدایی و... از پیش مشخص گردد)

۲. انتخاب بین کیفیت و کمیت (در آموزش به کمیت یا کیفیت بیشتر توجه کنید ؟) .

۳. انتخاب بین علوم پایه و فنی در مقابل علوم انسانی (به آموزش عالی مربوط می شود)

۴. آموزش مدرسه ای در مقابل آموزش خارج از مدرسه (منظور آموزش رسمی و آموزش های غیر رسمی در هنگام کار است که خارج از نظام آموزشی رسمی صورت می گیرد).

۵. انتخاب محرکها (گرایش به برخی از شغل ها و رشته ها در جوامع متنوع و متفاوت است
برنامه ریزان باید از جاذبه و محرک ها و تشویقات لازم استفاده کنند)

۶. هدف از آموزش (برنامه ریزان آموزشی باید بین تامین نیاز های جامعه به نیروی انسانی در مقابل جوابگویی به خواست مردم برای آموزش و پرورش یکی را انتخاب کنند).

ت (تهیه و تدوین برنامه عمل :

برنامه عمل در واقع نقشه و طرح دقیق اقدامات و عملیاتی است که باید در آینده انجام گیرد در این مرحله اهداف کلی برنامه با توجه به خط مشی ها در قالب اهداف جزئی و احتمالا کلی بیان می شود بطور مثال " برنامه عمل توسعه آموزش ابتدائی برای یک دوره پنج ساله " لذا جهت تهیه برنامه عمل توسعه آموزش آموزش و پرورش برای یک دوره پنج ساله با توجه به اهداف مورد نظر بایستی شمار دانش آموزان در هر سال تحصیلی تعداد معلمان و کارکنان آموزشی و اداری و فضا و تجهیزات آموزشی و منابع مادی مثل هزینه های سرمایه ای و جاری و غیره ... برآورده شود.

مرحله ی سوم تصویب و اجرا ، نظارت ، ارزیابی و تصحیح برنامه ی آموزشی

برنامه تهیه و تنظیم شده توسط دست اندرکاران برنامه ریزی آموزشی باید به تصویب مسئولان سطوح بالای نظام آموزشی برسد در این مرحله باید برنامه ریزان برای دفاع از برنامه تهیه شده دلایل کافی و مستند داشته باشند و در عین حال برای رفع نقایص و نارساییهای برنامه خود انتقادات وارده شده را پذیرا باشند و به اصلاح برنامه خود اقدام نمایند.

مراحل تصویب برنامه به شرح زیر است :

۱. برنامه ی توسعه ی آموزش و پرورش در شورای برنامه ریزی بخشی از وزارت خانه بازرنگری و تلفیق می شود و سپس به سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تسلیم می شود.
۲. برنامه ی مورد نظر پس از بازرنگری و تعدیل و تلفیق توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی به مجلس شورای اسلامی برای تصویب نهایی فرستاده می شود.

پس از آنکه برنامه توسط مسئولان مربوطه تصویب گردید برای اجرا به مسئولین ذی ربط ابلاغ می گردد بدین ترتیب یکی از طولانی ترین مرحله برنامه ریزی یعنی اجرا آغاز می شود در این مرحله به دلیل مشکلات و معضلات اقتصادی و تحولات سیاسی و همچنین موانع اداری و عوامل غیر قابل پیش بینی مرحله اجرا با مشکل روبرو گردد از این رو برنامه ریزان باید همواره با مسئله نظارت بر نحوه اجرای برنامه ها توجه کنند لذا موانع اجرای برنامه ها را شناسائی و نسبت به اجرای برنامه ها اقدام کنند و برای تعیین میزان پیشرفت و موفقیت برنامه اقدام به ارزشیابی کرد.

معمولا ارزشیابی از لحاظ زمان اجرا به سه مرحله تقسیم می شود :

۱. پیش از اجرا : مطالعات امکان سنجی یعنی زمینه اجرای برنامه ها بررسی می شود
۲. ضمن اجرا : پیشرفت اجرای برنامه ارزشیابی می شود و اگر لازم باشد برنامه ها بازنگری و تجدید نظر می شود.

۳. پس از اجرا : از میزان تحقق اهداف پیش بینی شده ارزشیابی بعمل می آید .

برای ارزشیابی برنامه آموزشی تعدادی زیادی الگو معرفی شده است که از حوصله این درس خارج بوده و همکاران محترم برای اخذ اطلاعات اضافی میتوانند به کتاب اندازه گیری سنجش و ارزشیابی آموزشی دکتر سیف و یا به پکیج ارزشیابی برنامه های آموزشی اینجانب مراجعه نمایند.

مدل های برنامه ریزی آموزش و پرورش:

جانستون مدل های برنامه آموزش و پرورش را با توجه به دو دیدگاه تقسیم بندی کرده است:

۱. انواع مدلها با توجه به سطح آموزش و پرورش :

الف) سطح واحد آموزشی : این مدل ها برای توسعه ی یک واحد آموزشی یا یک گروه متشکل از چند موسسه مشابه آموزشی ساخته شده اند.

ب) سطح سیستم یا پاره سیستم آموزشی : این مدلها به برنامه ریزی برای تمام سیستم آموزش و پرورش یا بخش عمده ای از آن تخصیص دارند.

پ) سطح سیستم آموزشی در ارتباط با توسعه ی اقتصادی : این مدلها به برنامه ریزی برای سیستم آموزش و پرورش به منظور تامین نیروی انسانی مورد نیاز توسعه ی اقتصادی توجه دارند.

۲. انواع مدلها با توجه به مبنای ریاضی آنها :

الف) مدلهای بسته : این مدلها مبنای آماری پیچیده ای ندارند و از این نظر بسته نامیده می شوند که دامنه ی انعطاف متغیرها محدود است.

ب) مدلهای زنجیر مارکو : این مدلها بر مبنای فرضیه ی آماری زنجیر مارکو ساخته شده اند ولی از بسیاری جهات نتیجه ای شبیه به مدلهای بسته تولید می کنند.

پ) مدلهای رگرسیون : این مدلها براساس این نظریه ساخته شده اند که اگر دو عامل به یکدیگر بستگی داشته باشند، تغییر یکی با تغییر دیگری قرین خواهد شد . روابطی که بین متغیر وابسته و متغیر مستقل در گذشته وجود داشته در آینده نیز به همان ترتیب باقی می ماند و اثر متغیرهای مستقل روی هم جمع می شود دو نوع از پیش فرض هایی استفاده از این مدل می باشند.

ت) مدلهای ریاضی : این مزیت بارز را بر مدلهای رگرسیون دارند که محدودیتهای متغیرها را در نظر می گیرند.

انواع مدلهای برنامه ریزی آموزش و پرورش از نظر دامنه ی عمل :

الف) مدلهای برنامه ریزی آموزشی تک موسسه ای : هدف این مدلها این است که ترکیب مناسب فرادادهای یک موسسه ی آموزشی نظیر دانشگاه را برای به دست آوردن نتیجه ی

مطلوب معلوم کند. اکثر مدل‌های برنامه ریزی در این سطح از نوع مانند سازی هستند، مانند مدل‌های که توسط کاسکی، جودی و سالمون تهیه شده اند. میزان استفاده از تئوری آمار مارکو و اصول رگرسیون در این سطح بسیار محدود است .

ب) مدل‌های برنامه ریزی در سطح نظام آموزشی: هدف این مدل‌ها این است که تعداد شاگردان و عوامل اجرایی لازم از قبیل تعداد معلمان، اعتبارات و تاسیسات و ... را برای توسعه ی تمام سیستم یا بخش عمده ی از سیستم آموزش و پرورش در یک کشور یا در یک منطقه از کشور پیش بینی و مشخص سازد. مدل‌هایی که در این سطح تهیه شده اند یا از نوع بسته هستند، مانند مدل آسیایی توسعه آموزش و پرورش یا از نوع مانند سازی هستند مانند مدل یونسکو، رایزن و تفت یا برداشتی بر اساس تئوری آماری زنجیر مارکو دارند مانند تونستاد (در کشور نروژ) مدل جانستون و فیلیپ (کاربرد عملی در برنامه ریزی آموزشی استرالیا دارد) یا از نوع رگرسیون هستند .

پ) مدل‌های برنامه ریزی بیرونی توسعه ی آموزشی: این مدل‌ها بر اساس ارتباط بین توسعه ی آموزشی و توسعه ی ملی به خصوص توسعه ی اقتصادی ساخته شده اند و هدفشان این است که نیروی انسانی مورد نیاز توسعه ی اقتصادی را پیش بینی کنند . مدل‌هایی که در این سطح ساخته شده اند یا از نوع بسته هستند مانند تین برگن، باس و کریا، یا از نوع برنامه ریزی خطی و ریاضی هستند مانند مدل بنارد، آدلما و بولز.

محدودیت های مدل های برنامه ریزی آموزشی :

۱. کمبود و نقص آمار
۲. مقایسه نشدن نتایج مدل‌ها با واقعیت
۳. تلفیق عوامل پیش بینی کننده با عوامل تشریح کننده

مدل آسیایی توسعه ی آموزش و پرورش:

این مدل مدارس را مانند سیستمی می پندارد که در آن شاگردان از یک کلاس به کلاس دیگر و از یک رشته به رشته ی دیگر، و از یک سطح به سطح در گردش و حرکت اند.

مدل چسواس:

این مدل به مدل جریان شاگرد معروف است، توسط دکتر چسواس و از طرف انستیتو بین المللی برنامه ریزی آموزش و پرورش یونسکو تهیه شده است . مدل چسواس مدلی است بسیار ساده از نوع مدل های بسته که به ریاضیاتی در حدود چهار عمل اصلی نیاز دارد . هدف اصلی مدل چسواس این است که نسبت دقیق پذیرفته شدگان اول یک دوره تحصیلی را با تحصیل کردگان آن در پایان دوره بدست آورد .

مدل های اقتصادی برنامه ریزی آموزش و پرورش :

مدلهایی هستند که برنامه ریزی آموزش و پرورش را با رشد و توسعه ی اقتصادی مرتبط می سازند.

مدل های اقتصادی در برنامه ریزی آموزش و پرورش سه گروه هستند :

الف) مدل های برآورد نیروی انسانی:

مدل های برآورد نیروی انسانی بر اساس نیاز رشد اقتصادی به نیروی انسانی طرح ریزی شده اند، بدین معنی که ابتدا هدف های توسعه اقتصادی تعیین می شوند و سپس برای رسیدن به آن نیروی انسانی لازم پیش بینی می شود . پیش فرض این مدل این است که نیروی انسانی هر بخش تولیدی با حجم تولید در بخش مزبور نسبت مستقیم دارد این مدل دارای معایبی بشرح ذیل می باشد:

۱- فقط نیازهای آموزشی نیروی اشتغال یا نیاز اقتصادی را در نظر می‌گیرد، حال آنکه نیازهای آموزشی کل جمعیت به خصوص نیازهای آموزشی تعداد زیادی از زنان و دیگر افراد جامعه را که لزوماً به خاطر اشتغال آموزش نمی‌بینند در نظر نمی‌گیرد.

۲- برآورد و محاسبه‌ی نیروی انسانی مورد نیاز توسعه‌ی بخشهای تولیدی، تخمین بهره‌وری یا تولید سرانه به میزان قابل توجهی به عقیده، نظر و تجربه‌ی شخصی برنامه‌ریز و ملاک‌های ذهنی او متکی است و طبیعتاً نتایج حاصل را سست می‌کند.

یکی از انواع مدل‌های برآورد نیروی انسانی "مدل کرا - تین برگن - باس" است که توسعه‌ی آموزش و پرورش را به توسعه‌ی اقتصادی پیوند می‌دهد و شامل یک رشته فرمول است که هدفشان تعیین کردن تقاضا یا نیاز به نیروی کار تحصیل کرده است. از جمله انتقاداتی که به این مدل وارد است مساله یادگیری ضمن کار است، این مدل بهره‌وری یا قدرت تولید سرانه‌ی کارگر را ثابت پنداشته و به مسئله‌ی یادگیری ضمن کار و افزایش تبحر و مهارت کارگر توجهی نکرده است.

مدل‌های نرخ بازده: مدل نرخ بازده یا هزینه - فایده بیشتر تحت تاثیر نظریه سودمندی اقتصادی است. در این مدل موسسات آموزشی به مانند واحدهای تولیدی در نظر گرفته شده که مجموعه‌ای از درون دادها را گرفته و تبدیل به برون دادها می‌نماید به این دلیل که تبدیل درون دادها به برون دادها مستلزم صرف هزینه‌هایی می‌باشد که باید قبل از تصمیم‌گیری در خصوص سرمایه‌گذاری باید هزینه و منابع اقتصادی را مورد سنجش قرار داد.

مدل‌های برنامه‌ریزی خطی: در مدل‌های خطی کلیه مراحل برنامه‌ریزی همانند حلقه‌های زنجیر به یکدیگر پیوسته هستند و فرایند برنامه‌ریزی متضمن مرحله آغازین، مراحل پیشرفت تدریجی

و مرحله نهائی است. بنابراین امکان آغاز برنامه‌ریزی از مراحل میانی یا جابه‌جائی در مراحل مختلف وجود ندارد. برای برنامه‌ریزی آموزش تاکنون از مدل‌های

برگوین ، موریس و اسمیت (۱۹۶۳) ، هول (۱۹۷۲) ، نولز (۱۹۸۰) ، اسمیت (۱۹۸۲) و کوالسکی (۱۹۸۸) استفاده شده است. این مدل‌های خطی در عناصر مربوط به فرایندشان عموماً نقاط مشترکی دارند. معمولاً با بررسی نیازها آغاز می‌شوند ، آنگاه هدف‌های برنامه ، تخصیص منابع موجود ، انتخاب آموزش مناسب و روش‌های تدریس و ارزشیابی نتایج و بالاخره تعیین میزان تأثیر برنامه را مورد توجه قرار می‌دهد.

در کل برنامه ریز آموزش و پرورش از میان انواع مدل‌های برنامه‌ریزی باید با توجه به نوع برنامه‌ریزی، نوع آماری که در اختیار دارد، و نوع مجهولاتی که با آنها روبه‌روست مدل مناسبی انتخاب نماید ، ولی تصمیم‌گیری خود را فقط منحصر به نتایج مدل محدود نکند.

منابع مورد استفاده :

۱. فیوضات . یحیی ، مبانی برنامه‌ریزی آموزشی ، تهران : نشر ویرایش ، ۱۳۹۲.
۲. گروه مشاوران یونسکو ، فرآیند برنامه‌ریزی آموزشی ، تهران : سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی ، انتشارات مدرسه ، ۱۳۷۳.
۳. گلابی ، سیاوش ، پژوهشی در برنامه‌ریزی آموزشی ، تهران : نشر فردوس ، ۱۳۶۸.
۴. کومبز، فیلیپ هال ، برنامه‌ریزی آموزشی چیست ، ترجمه : محمد برهان منش، تهران : انتشارات دانشگاه تهران ، ۱۳۵۳.
۵. محسن پور ، بهرام ، مبانی برنامه‌ریزی آموزشی ، تهران : نشر سمت ، ۱۳۹۰.
۶. خلیلی شورینی ، سیاوش ، اصول و مبانی برنامه‌ریزی آموزشی ، تهران : انتشارات یادواره کتاب ، ۱۳۸۱.